

رفسنجانی در جنبه تضادها و تناقضات

زمینه کوبیدن خطمقاله مهاجرانی را آماده می‌کند، در همان حال مقالات تندوتیزی که علیه خط مقاله مهاجرانی نوشته شده است را در کنار مطالب مربوط به آمریکا به چاپ می‌رساند. در این زمینه بویژه باید به روزنامه کیهان ۹ اردیبهشت اشاره ویژه کرد. حملات تبلیغاتی شدید کیهان علیه مقاله مهاجرانی در واقع بازتاب حملات شدید جریان حزب الهی‌ها به خود رفسنجانی و خطمذاکره او با آمریکا است. در این میان ورود محتشمی به صحنه این درگیری به کشاکش دولت رفسنجانی با حزب الهی‌ها ابعاد تازه‌ای بخشیده است. محتشمی در تفسیری که در کیهان ۹ اردیبهشت علیه طرفداران مذاکره با آمریکا نوشت، موضعگیری بسیار تنگی علیه آنان اتخاذ کرد. او در این تفسیر نوشت که «این حلقه زنجیره یک جریانی است که از ابتدای پیروزی انقلاب بقیه در صحنه ۲

کشاکشی که در پی انتشار مقاله مذاکره مستقیم به قلم سید مطا‌له مهاجرانی در اطلاعات ۶ اردیبهشت ماه بوجود آمده بود، پس از گذشت نزدیک به سه هفته کماکان با شدت و شدت تمام هنوز ادامه دارد. نیروهای حزب الهی که از زدوبند جناح رفسنجانی با دولت بوش و از معاملات پشت پرده‌ای که بین دولت رفسنجانی و بوش در رابطه با آزادی گروگانها در جریان است، به شدت خشمگین هستند، با انتشار این مقاله فرصت گرانبهائی به دست آورده‌اند تا حملات خود علیه جناح رقیب را که از ۱۲ فروردین با حملات تند کروی علیه آمریکا آغاز شده است، تشدید کنند.

در پی انتشار مقاله معاون رفسنجانی در اطلاعات، روزنامه کیهان مقالات متعددی علیه موضع مهاجرانی انتشار داده است. این روزنامه در حالیکه زورگوئی‌های آمریکا علیه ایران را بر جسته کرده و به این وسیله

روزنامه الشرق الاوسط:

عراق قرارداد الجزیره را پذیرفت

* موسویان مدیر کل وزارت امور خارجه رژیم:

در منازعه بین اسرائیل و عراق، جمهوری اسلامی جانب عراق را خواهد گرفت.

این خبر، پس از بازگشت ولایتی، جلسه شورای امنیت کشور به ریاست رفسنجانی گزارش وزیر خارجه در مورد مذاکرات را مورد بررسی قرار داده است. نکته مهم در این خبر نامه دولت عراق به جمهوری اسلامی است. در خبر محتوی نامه دولت عراق فاش نشده است و از آن زمان به بعد نیز از منابع خبری رژیم تنها تهران تایمز خبری در این باره انتشار داده است که مطابق آن صدام در این نامه خواهان ملاقات روسای جمهوری دو کشور شده است. با این حال منابع خبری غرب گزارش میدهند که دولت عراق در این نامه درباره مذاکرات صلح پیشنهادی ارائه داده است. گفته می‌شود که یکی از روزنامه‌های عربستان سعودی خبر داده است که در این نامه دولت عراق قرارداد الجزیره را مورد تاکید قرار داده است. همچنین روزنامه‌های انگلیس از قول منابع مطلع در جمهوری اسلامی نوشته‌اند که یکی از پیشنهادات دولت عراق شروع مذاکرات طرفین در پایتخت عربستان سعودی است. اما در این باره که دولت عراق آیا آماده اجرای طرح زمان بندی شده قطعنامه

سرنوشت دور تازه مذاکرات ایران و عراق که به پیشنهاد دبیر کل سازمان ملل متحد قرار بود در اواخر اردیبهشت ماه برگزار شود، هنوز نامعلوم است. اکنون روشن شده است که این مذاکرات در این ماه صورت نمی‌گیرد. به گفته ولایتی هلت تعویق مذاکرات کارشکنی عراق است. او که در ۸ اردیبهشت از شرکت در اجلاس ویژه ملل متحد به تهران باز می‌گشت در فرودگاه مهرآباد درباره روش دولت عراق نسبت به مذاکرات اظهار نظر کرد. او در همین آنکه می‌گفت کارشکنی عراق اجازه نداد که مذاکرات در وقت پیش‌بینی شده آغاز شود، اما سعی می‌کرد که محتاطانه حرف بزند. او درباره برخورد عراق با پیشنهاد دبیر کل فقط به این پسند کرده که بگوید مناسب نبوده است. بنظر می‌رسد که اظهار نظر محتاطانه او نسبت به عراق بی‌دلیل نباشد. ظاهراً در پشت پرده فعالیت‌های دیپلماتیک تلاش‌های جدیدی در جریان است. در این رابطه خبری که از سوی جمهوری اسلامی در ارتباط با این تلاش‌ها در صفحه ۱۹ کیهان ۱۲ اردیبهشت انتشار یافته است، دارای اهمیت است. مطابق

هادی غفاری:

“به خدا کارخانه استارلایت را از امام گرفته‌ام”

دیگر کمتر کسی است که نداند هادی غفاری سز کرده چماقداران سالهای اول پس از روی کار آمدن آخوندها، جنایتکاری که شاید

برای رد گم کردن خود را به دیوانگی زده، با بنیاد الهادی‌اش چه ثروتی دست و پا کرده است. اخیراً روزنامه رسالت در چارچوب تسویه حسابهای داخلی رژیم دست به افشاکاری علیه بنیاد الهادی به ریاست هادی غفاری زد و گوشه‌ای از اطلاعاتی را که مردم مدتهاست می‌دانند، نوشت. اما جالب‌تر از نوشته‌های رسالت، دفاتر هادی غفاری در جلسه ۱۱ اردیبهشت مجلس است: “در رابطه با موسسه اسلامی “الهادی” همه استاد آن را آورده‌ام. روزنامه‌ها هم می‌توانند آنها را منتشر کنند. متن دست خط حضرت امام که بخشی از اموال این کشور از بنیاد مستضعفان را به عنوان کارخانه جوراب استارلایت (آسیا) بادست خط مبارک خودشان به موسسه الهادی واگذار کرده‌اند. نامه ایشان موجود است. موسسه الهادی... ده نفر هیات امنا دارد که یکی هم من هستم. از طرف خانواده محترم شهدا از باب پاسخگویی به یاوه‌سرایی‌ها و تهمت‌های بی‌جایی که روزنامه ضد ولایت فقیه رسالت گفته است این جمله را می‌گویم: اولاً شرکت تولیدی جوراب آسیا توسط شخص امام و با موافقت ایشان به موسسه اسلامی الهادی واگذار شده بقیه در صفحه ۲

بازتاب اعتراضات توده‌ای اخیر در نشریات رژیم

اواخر بهمن ماه، هنگامی که در تهران پس از لوفیک مسابقه فوتبال، اجتماع ورزش دوستان تبدیل به تظاهرات علیه رژیم شد، بازتاب واقعه آنقدر گسترده بود که مطبوعات رژیم جمهوری اسلامی نتوانستند آن را به سکوت برگزار کنند. اخباری حاکی از حرکات “اوباش” در تهران در روزنامه‌ها چاپ شد و یک نماینده مجلس آخوندی هم شهربانی را به هلت آنچه که سهل انگاری در سرکوب تظاهرات می‌دانست، شدیداً مورد حمله قرار داد. بازتاب اعتراضات اخیر نیز نشان می‌دهد که ساواک جمهوری اسلامی در موارد این چنین خط مشخصی به روابط عمومی نهادهای دولتی، مطبوعات و خبرگزاری داده است. بدنبال تظاهرات در پارک ملت تهران که به دستگیری تعداد زیادی منجر شد، در صفحه حوادث شماره ۲۷۷ بدین شرح درج شد: “روابط عمومی کمیته... گزارش داد وگردان پارک ملت با استفاده از فضای سالم و شلوغ پارک ملت برای خانواده‌ها ایجاد مزاحمت می‌کردند. این افراد... با عملیات ضربتی نیروهای کمیته دستگیر و روانه زندان شدند.” خبری که در صفحه ۲ کیهان ۲۵ فروردین چاپ شده است، گویاتر است و از آن به راحتی می‌توان دریافت که موضوع چه بوده است: “۷۵۰۰ الونک فیر مجاز حاشیه کوی آزادی شهرک کیهان شهر که طی چند ماه اخیر ایجاد شده بود، توسط ماموران شهرداری تهران تخریب گردید. همچنین به ۳۳۰ خانوار مستقر در الونک‌های حاشیه بزرگراه بهشت بقیه در صفحه ۲

در این شماره

پس از یکصد و چهار سال...

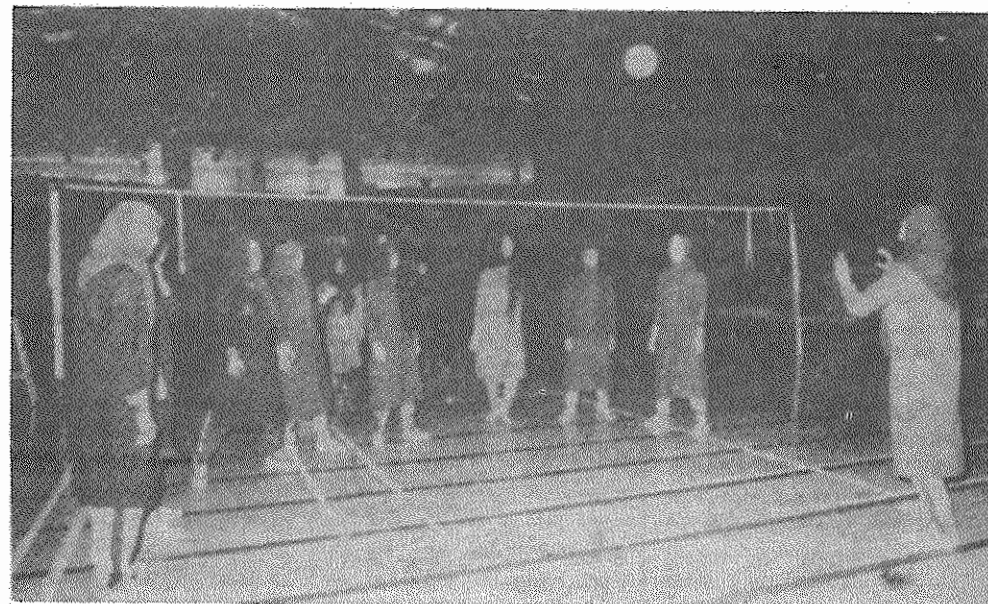
در صفحه ۵

از برنامه “حزب سوسیالیسم دموکراتیک” (آلمان شرقی)

در صفحه ۶

از فعالیت‌های هنری هنرمندان مهاجر

در صفحه ۳



چندی پیش تعدادی از ورزشکاران شهر را پیش امام جمعه رودسر بردند که برای آنها موعظه کند. او در یک در فضائی طنزگونه گفت که ورزش اسلامی و غربی با هم فرق دارد و ورزش اسلامی را باید با توجه به این تفاوت انجام داد. در غیر این صورت ورزش بی‌فایده است و اصلاً ارزش ندارد که آدم ورزش غربی بکند و بعد از صد سال زیر خاک برود. برای اینکه از این چرند و پرند سر در آورید و گوشه‌ای از تصویری را که در مغز خشک آخوند در هنگام ادای اراجیف فوق موجود بوده است، درک کنید، به عکس بالا مراجعه کنید. باز هم جای شکرش باقی است که ایشان را از قید مقنعه و چادر رهانیده‌اند و گر نه از تماشای راحت توپ نیز عاجز می‌ماندند.

رفسنجانی در جنبه تضادهای و تناقضات

بقیه از صفحه اول

درگیر شده است بیشتر از هر موقع به گرفتن امتیازات چشم گیر از غرب نیاز دارد، امتیازاتی که با کمک آنها بتواند رژیم را از بحران و فلج کنونی خارج کرده و هر ضلالت را از رقبای و بویژه تندروها بگیرد. در همین حال باید یادآوری کرد که دولت بوش گرچه تا کنون از دادن امتیازات چشم گیر به دولت رفسنجانی خودداری کرده است، اما از امیدوار نگهداشتن او با دادن وعده و وعید و یا انجام برخی اقدامات خودداری نکرده است. از جمله او گفته است که کوشش خواهد کرد که از وضع گروگان ایرانی وابسته به سفارت رژیم در لبنان که از ۹۸۲ تا ناپدید شده اند، اطلاعاتی بدست آورد. یا او گفته است که کارهای دیگری هم هست که می تواند برای جمهوری اسلامی انجام دهد. در زمینه اقدامات هلی که تاکنون آشکارا گفته شده است، او دستور داده است که تحریم خرید نفت از ایران به وسیله شرکت های نفتی لغو شود.

اما اینگونه اقدامات درد دولت رفسنجانی را دوا نمی کند. رفسنجانی به کمک های عظیمی چشم دوخته است. از جمله در برنامه ۵ ساله ۱۲ میلیارد دلار کمک خارجی پیش بینی شده است. یک قلم کمک دیگر آزاد شدن پولهای بلوکه شده ایران در بانکهای غرب است که دریافت این کمک ها از آمریکا مشروط به تسلیم تام و تمام جریان رفسنجانی و موافقت آن جریان رسالت در مقابل خواسته ها و مطالبات دولت بوش است. چیزی که بدون حذف تندروها از هیات حاکمه و بدون سرکوب آنان در یک جنگ قدرت خونین توسط دولت رفسنجانی ممکن نیست. مسئله ای که تندروها به رهبری محتشمی و کروی از آن آگاه هستند و با تمام قوا در برابر آن ایستادگی می کنند.

در منازعات اخیر این نکته که رفسنجانی در دستیابی به همه اهدافی که در سیاست خارجی تعیین کرده بود، با نتیجه دلخواه روبرو نشده است، آشکارتر شد. این مسئله روشن تر شده است که دولت رفسنجانی که گمان می کرد قادر است به راحتی تندروهای هیات حاکمه را از سر راه پیشرفت سیاست خارجی دلخواه خود بردارد، دچار اشتباه محاسبه شده است. گرچه تندروها اقتدر قوی نیستند که سیاست دلخواه خود را در هر صحنه مناسبات خارجی پیش ببرند، اما اقتدر هم ضعیف نیستند که پیشرفت سیاست خارجی رفسنجانی را دچار وقفه نکنند. این واقعیت در کنار ناکامی دولت رفسنجانی در سروامان دادن به وضع فلج اقتصادی کشور وضعی را پدید آورده است که می توان با اطمینان گفت که کارنامه ۷ ماهه ریاست جمهوری رفسنجانی منفی است. در حالیکه در روزهای انتصاب او به ریاست جمهور، خوش بینی های نسبت به توانایی او، در برخی محافل غربی و داخلی پدید آمده بود. این تغییر و تنزل موقعیت رفسنجانی که در طنزهای میانه خود را در شکل تغییر ارزیابی مردم از رفسنجانی، از اکبر شاه به اکبر چاخان نشان می دهد، نتیجه ناگزیر درگیری ناشی از جنگ قدرت و اختلافات منافع دائمی سه جریان اصلی هیات حاکمه یعنی جریان رفسنجانی، رسالت و تندروها با یکدیگر است که در ماههای اخیر درگیری تندروها با بقیه برجستگی نمایان داشته و سایر درگیریها در سایه آن قرار داشته اند. با توجه به ادامه حضور این سه جریان در هیات حاکمه و تدام درگیری آنها باید انتظار داشت که موقعیت کابینه رفسنجانی و همچنین موقعیت خامنه ای به مثابه رهبر نظام بیشتر از گذشته مورد سؤال قرار گیرد.

همچون آفتی در نظام نفوذ کرده است. جریانی که به "تفکر امام باور نداشته" و زمزمه شوم آن در قالب "خردگرایی" و یا "رابطه با آمریکا اگر به مصلحت نظام باشد واجب شرعی است و در این صورت اینکه قدم اول را چه کسی بردارد نباید مطرح باشد" به گوش میرسد. او درج این مقاله را "لکه ننگی" دانست که با "آب زمزم" هم پاک نمی شود و "امام هم این جریان را نمی بخشد" و لو که "توبه کند" او در پایان با تکرار حکم خمینی در مورد کشتن دشمنان اسلام نوشت که این حکم "در حق آمریکا که در راس دشمنان اسلام است، پیوسته جاری و ساری است، معنای این دستور کاملاً روشن است. در حالیکه رفسنجانی در پی بدست آوردن و جلب حمایت آمریکا است، جریان حزب اله به رهبری محتشمی آن مستوجب مرگ می شناسد. به این ترتیب یکبار دیگر اختلاف دولت رفسنجانی و یک جناح از هیات حاکمه در مسئله رابطه با آمریکا حدت و شدت تازه ای یافته است.

موضعگیری شدیدالمن محتشمی علیه جریان رفسنجانی و دولت آمریکا نمی توانست در حزب اله بازتاب نیابد. به همین دلیل نیز در پی این موضعگیری و به دستور سران حزب اله حزب الهی های دانشگاه تهران در محوطه دانشگاه تظاهراتی را ترتیب دادند. تظاهرکنندگان در پایان قطعنامه ای را تصویب کردند که در آن آمریکا، "تضعیف کنندگان خط امام" و در این ارتباط بطور غیرمستقیم روزنامه اطلاعات را محکوم کردند. کمی بعد نیز انجمن دانشجویان حزب الهی (تحکیم وحدت) با صدور اطلاعیه خط مقاله مهاجرانی را محکوم کرد. موضعگیری اخیر خامنه ای علیه آمریکا در روز اول ماه مه نیز در جهت تبلیغات حزب اله تأثیر نمود. همه این موضعگیری ها وضعی را پدید آورد که خامنه ای و رفسنجانی که خط مذکوره با آمریکا را در پنهان هدایت می کنند، ناچار شدند سر خود را در مقابل موجی که جریان تندرو حکومت بارهبری محتشمی و کروی برآه انداخته اند به دزدند و از مخالفت با آمریکا و تحریم گفتگو با آن حرف بزنند. در این شکی نیست که مخالفت خوانی های خامنه ای و رفسنجانی علیه آمریکا دروغ محض و ناشی از فشار لحظه ای تندروهای سرکوبگر است.

اما آنچه در این میان جلب توجه می کند، اظهارات و برخوردهای تحقیرآمیز دولت بوش نسبت به دولت رفسنجانی است. در مجموع منازعات در هیات حاکمه پیرامون رابطه با آمریکا، دولت بوش پارهای اقدامات انجام داده است که جز تحقیر دولت رفسنجانی و آخوند خامنه ای چیز دیگری نیست. از جمله به گزارش سلاتنه وزارت خارجه باید اشاره کرد که در آن جمهوری اسلامی حامی تروریسم معرفی شده است که معنای آن در دیپلماسی آمریکا ادامه قطع کمک های آمریکا به جمهوری اسلامی است. همچنین باید از دادن نشان لیاقت به فرمانده ناو جنگی وینستس یاد کرد که مسئول کشتار ۲۹۰ سرنشین یک هواپیمای مسافربری ایرانی در خلیج فارس بود. مورد دیگر اظهارات دولت بوش در قبال آزادی گروگانها در لبنان است. در حالیکه دولت رفسنجانی انتظار واکنش مثبت و همدلی از طرف بوش را داشت، بوش گفت که حاضر به دادن هیچ امتیازی به جمهوری اسلامی نیست. همه این اقدامات و اظهارات یک دهن کجی آشکار به رفسنجانی و خفیف و خوار کردن آخوند فلک زده ای مثل او است. در حالیکه او در منازعه اخیری که

عراق قرارداد الجزیره را پذیرفت

رژیم عراق است و این تمایل را نیز به طرق مختلف بروز می دهد. آخرین نشانه گفتار اخیر حسین موسویان مدیرکل وزارت امور خارجه رژیم در مصاحبه با خبرنگاران در وین در ۲۳ اردیبهشت ماه است.

او خیلی صریح گفت که اگر بین عراق و اسرائیل جنگ شود، جمهوری اسلامی جانب عراق را خواهد گرفت. این گوشه چشم نشان دادن به دولت صدام از طرف طرفداران دولت رفسنجانی است. نشانه ای که در پی ارسال نامه صدام به دولت رفسنجانی که پس از برقراری آتش بس اولین بار رخ می دهد، معنای خاص خود را دارد.

پیرامون آنها جنجال برآه انداختند. موبد تصمیم آنها برای تمت فشار قرارداد صدام است. علاوه بر آن آزادی گروگانهای غربی در لبنان که جمهوری اسلامی در آن نقش داشته نیز می توان دلیل دیگری برای سوق دادن صدام به سوی نرمش باشد.

بهر حال اگر عراق موضع خود را در مورد قرارداد الجزیره تغییر دهد، از هوایل آن، این امر را باید مثبت تلقی کرده و از آن استقبال نمود و امیدوار بود که با این تحول مهم راه برای رفع موانع دیگر از سر راه مذاکرات جدی هموار شود. تا آنجا که به جمهوری اسلامی در مذاکرات مربوط می شود، خواهان توافق با

روزنامه الشرق الاوسط:

بقیه از صفحه اول بسیار مهمی رخ داده است. چرا که اولایکی از شروط همیشگی صدام برای آغاز جدی مذاکرات صلح، ابطال قرارداد الجزیره از طرف دولت جمهوری اسلامی بوده است. این امر مانع اصلی پیشرفت مذاکرات دو طرف در حل و فصل اختلافات مرکزی بوده است. کنار گذاشتن این شرط راه را برای پیشرفت مذاکرات و خروج از بن بست فعلی خواهد گشود. و ثانیاً این مسئله نشانه تغییر موضع آشکار صدام و عقب نشینی آن از مواضع غیرمنطقی گذشته است. میدانیم که صدام این قرارداد را پاره و آن را یکجانبه لغو کرد و در طول سالهای گذشته نیز حاضر به پذیرش آن به عنوان مبنای مذاکرات دو طرف برای حل اختلافات مرکزی نشده. در حالیکه می دانست ایران با چنین اقدامی مخالف است.

اگر قرارداد الجزیره پذیرفته شود، در آن صورت صدام ناچار است که از ادعای حاکمیت بر اروندرود دست بکشد و خط تالوگ را به عنوان مزر آبی دو کشور به رسمیت بشناسد و به آن گردن بگذارد. چیزی که سالها صدام برای پذیرفتن تبلیغات شونیستی و ضد ایرانی در عراق و دنیای عرب به راه انداخته است. علاوه بر آن باید نیروهای عراق را از مناطق اشغالی ایران در قرب کشور خارج کند. یعنی کاری انجام دهد که پس از پذیرش آتش بس، از مجامع بین المللی و ایران پیشنهاد می شد، اما او با سماجت تمام با آن مخالفت می کرد. همچنین در صورت پذیرش قرارداد باید بر این ارزیابی تأکید کرد که سیاست دولت عراق در مذاکرات در هر صحنه بین المللی با ناکامی جدی روبرو شده و موضع دولت صدام ضعیف گشته یا آن دولت تمت فشار قرب و بویژه دولت آمریکا قرار گرفته است. مورد اخیر البته بی زمینه نیست. تبلیغات جنجالی که طی دو ماه گذشته آمریکا و بویژه انگلیس پیرامون چاشنی های خودکار انفجاری و نیز لوله های که برای ساختن توپ راهی عراق بوده اند را باید نوهی فشار به دولت صدام تلقی کرد. آشکار است که این وسایل بدون اطلاع آمریکا و انگلیس نمی توانست خریداری و راهی عراق شود و این دو دولت از آن از مدت ها قبل خبر داشته اند. اینک فقط این اواخر دولت های نامبرده



بازتاب اعتراضات توده های اخیر در نشریات رژیم

این اعتراضات، حرکات او باش قلمداد شوند. اخبار مربوط به این وقایع را در کنار گزارش های قتل و سرقت و گرداندن کیف زن ها در خیابان و غیره می آورند تا بگویند موضوع اصلاً سیاسی نبوده است. اما از سرتاپای خبر پیداست که همین را می خواهند بگویند، و این دقیقاً همان چیزی را می رساند که می خواهند نرسانند. لمن گزارش، نوع تنظیم آن، کلمات انتخاب شده همه حاکی از این است که یک ساواکی آن را نوشته است. یک مثال دیگر: در صفحه حوادث کیهان ۱۱ اردیبهشت خبری آمده است دایر بر اینکه زنی را در جنوب شهر تهران به اتهام ادعای نیابت امام زمان دستگیر کرده اند. ادامه خبر چنین است: "پاسداران کمیته انقلاب اسلامی روزی که رقیه را دستگیر کردند مردی به نام "محمدعلی سلیمانی" را نیز که از مردم

کنجکاو و اجتماع کرده در مقابل خانه رقیه فیلمبرداری می کرد دستگیر کردند که پس از بررسی های لازم مشخص شد که این مرد فیلمبردار یکی از عناصر گروهک الحادی "پیکار" بوده که در سال ۵۶ به زندان افتاده و سه سال سابقه زندانی شدن در زندان اوین را دارد." گزارش کیهان می افزاید پاسداران بلافاصله توانسته اند از فیلمبردار اعتراف بگیرند که با گرفتن صد هزار تومان برای فردی که در جنوب تهران "فیلم های ویدئویی مبتذل و مستعجن مردم در می کرد" از اجتماع مردم در مقابل خانه رقیه فیلمبرداری کند. بعد هم به خانه "توزیع کننده فیلم های مبتذل" ریخته اند و در آنجا ۷۳ حلقه فیلم و یک گالن مشروب الکلی کشف کردند. الحق که چه داستان عجیب و غریبی است. در این میان، تنها چیزی که حتماً صحت دارد همان اجتماع مردم است و شاید هم فیلم گرفتن

تهران که از سال ها قبل در این منطقه سکنی گزیده بودند، اختطاف شد تا در اسرع وقت نسبت به تخلیه آگونکها اقدام کنند. سخنگوی روابط عمومی شهرداری تهران پیش از ظهر امروز در گفتگو با خبرنگار ما ضمن اعلام مطلب فوق افزود: طرح جمع آوری آگونک های غیر مجاز در حاشیه شهر تهران با تأملیه امتداد خواهد یافت و در آینده آگونک های مناطق دیگر شهر نیز برچیده خواهد شد. شایان ذکر است اقدام مفید شهرداری تهران در حاشیه بزرگراه بهشت با مخالفت ساکنان این آگونکها روبرو شد که سرانجام قضیه با دستگیری چندتن از اشرار پایان یافت.

هادی غفاری: "به خدا کارخانه استارلایت را از امام گرفته ام"

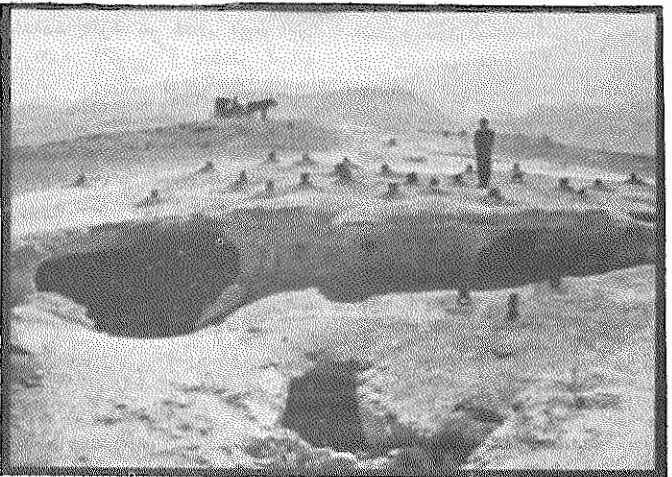
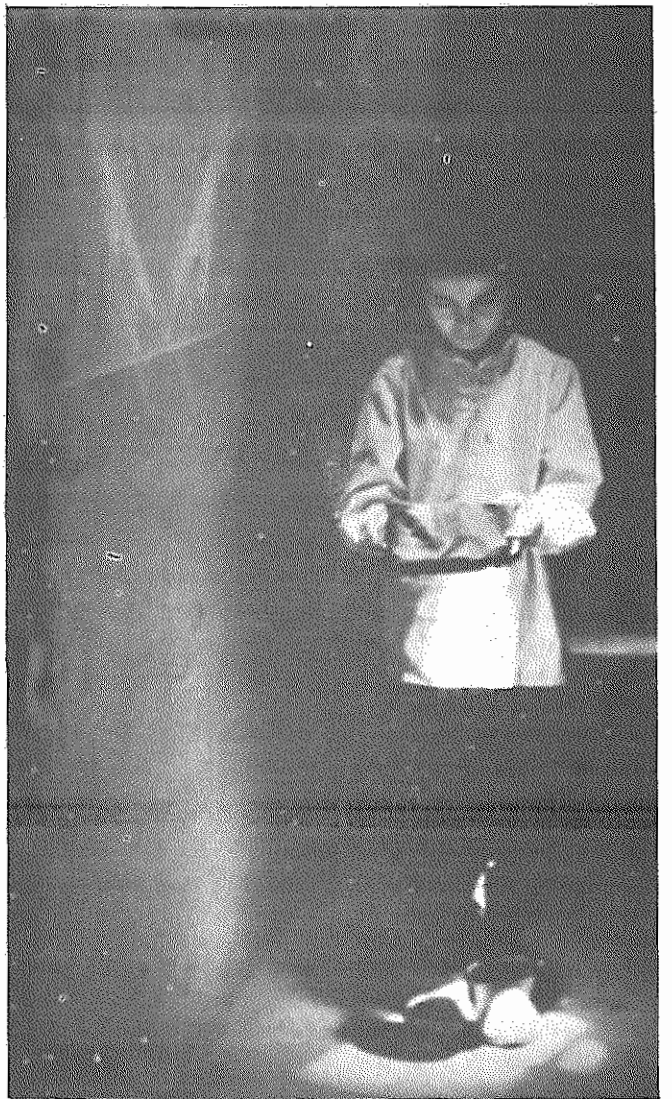
هرقان ریایی که پس از مرگش برایش درست کرده اند، راه و رسم مافیای "قوت آب" بوده و خوب می دانسته که چگونه او باشی مثل هادی غفاری را نمک گیر کنند. ثالثاً از نظر روزنامه رسالت، اگر یک کارخانه معلق به مردم را به زمره اموال خصوصی آخوند بی سروپایی در آورند، تا وقتی این کارخانه جوراب نازک تولید نکرده، این اختطاف حتی به درد افشاکاری های نیم بند مرسوم بین رقبای درون حکومتی نمی خورد، چون در این مورد، هرکس از حضرات بالاخره یک استارلایت برای خودش دست و پا کرده و "رهلپ خورده منع رهلپ کی کند". فقط جوراب نازک است که خون این وحوش را به جوش می آورد!

بقیه از صفحه اول است. نه آنچنان که نویسنده بی انصاف و غیر عادل نوشته است که بنیاد مستضعفان بخشیده است، شخص امام نهایت کرده است. ثانیاً این شرکت تولیدی به هیچ وجه حتی یک جفت جوراب نازک تولید نمی کند. می توانند بروند ببینند، تولیدات این شرکت صرفاً توسط وزارت محترم بازرگانی و با نظارت کامل دایره مبارزه با منکرات توزیع می شود. (کیهان ۱۱ اردیبهشت) و اما نتیجه گیری ها: اولاً اگر بنیاد مستضعفان کارخانه ای را به کسی ببخشد، اشکال دارد اما حاتم بخشی خمینی از کیسه مردم، بدون اشکال است. ثانیاً خمینی مدفون با این همه

کسی از آن، در پایان خبر آمده است: "تحقیقات وسیعی در زمینه ماجرا سازی رقیه که روزها در جنوب تهران مردم کنجکاو و احساساتی بسیاری را به در منزل خود کشانده بود در جریان است." شگرد جدید ساواکی ها و مطلوبه های رژیم برای تم کردن اخبار اعتراضات توده ای در لابلای اخبار بی اهمیت و جنایی، خود حاکی از وسعت و حدت این اعتراضات است که دیگر اجازه این را نمی دهد که به کلی به سکوت برگزار شوند. شبکه خبرگزاری چندین میلیونی مردم، قوی تر از آن است که بتوانند آن را نادیده بگیرند. به ناچار می کوشند تا اعتراضات، به صورت حرکات مشت و او باش و بخشی از درگیری های هادی با پلیس و نیروهای انتظامی جلوه کند. اما این کوشش، آندره ناشیانه است که خود کامیابش بسیاری از اسرار نگفته را باز گو می کند.

فیلم نارونی

برنده جشنواره بین المللی استانبول



نگاتی از

سکرنانی محمود دولت آبادی در لندن

محمود دولت آبادی داستان نویس توانای ایران اخیراً به دهوت فصلنامه "فصل کتاب" که در لندن منتشر می شود، به این شهر دعوت شد. او در جمع بیش از ۳۵۰ نفر از ایرانیان، پیش و پس از داستان خوانی اش (بخشی از رمان روزگار سپری شده مردم سالخورده) سخنانی ایراد کرد که از جهاتی حائز اهمیت است.

دولت آبادی برای اینکه هرگونه شبهه احتمالی نسبت به سفرش به خارج از کشور را از میان بردارد، توصیه کرد که بیموده توهم خاصی در این زمینه ایجاد نشود. سفر ما به خارج به هیچ وجه یک حادثه خاص و عجیب قریب نیست. او تأکید کرد که "یک داستان نویس است و حد و حدود کار خود را هم خوب می داند. بنابراین این سفر او یک سفر معمولی و دور از برداشت های توهم آمیز است."

محمود دولت آبادی از نویسندگان ایرانی که مجبور شده اند در غربت زندگی کنند

فیلم نارونی در جشنواره بین المللی استانبول برنده جایزه لاله طلایی شد. این فیلم توسط کارگردان جوانی به نام سعید ابراهیمی فر کارگردانی شده است.

در نهمین دوره جشنواره بین المللی فیلم استانبول که از یازدهم تا بیست و ششم فروردین ماه امسال برگزار شد، ۱۷۹ فیلم از ۳۲ کشور جهان عرضه شد. در بخش مسابقه این فستیوال بجز نارونی، ۱۲ فیلم دیگر از کشورهای فرانسه، انگلستان، بلژیک، آرژانتین و ترکیه شرکت داشتند.

سعید ابراهیمی فر، کارگردان این فیلم، فیلمساز جوانی است که بهر چند کار مستند برای تلویزیون، این نخستین فیلم داستانی بلندی است که ساخته است. او چند سال پیش در یک فیلم سینمایی طولانی به عنوان دستیار کارگردان به کار مشغول بود. فیلم "نارونی" با یک حادثه آغاز می شود. هکاسی که در رابطه با اجرای یک نمایشنامه در آتلیه خود مشغول ظهور و چاپ هکس هایی است که تهیه کرده است، ناگهان صدایی می شنود. از پنجره به خیابان نگاه می کند و پیرمردی را می بیند که در اثر سگته نشن زمین شده است. هکاس پس از رساندن پیرمرد به بیمارستان در حالی که در کنار اتاق "سی سی یو" دفترچه یادداشت پیرمرد را که با خطی خوش نگاشته شده بوده دقت نگاه می کند، از گذشته زندگی او آگاه می شود.

فیلم با نوآوری خاصی با استفاده از تکنیک ها و شگردهای خوبی در فیلمبرداری و کارگردانی مراحل مختلف زندگی پیرمرد را از تولد تا دوران جوانی، هروسی کردن او و تا لحظه ای که سگته می کند، نشان می دهد. فیلم حاوی صحنه های هالفی بسیار زیبایی است.

فیلم "نارونی" در جشنواره های فیلم مونرال کانادا، شیکاگو و نیویورک آمریکا نیز شرکت داشته و جوایزی برده است. این فیلم در اکتبر سال گذشته در جشنواره مانهایم آلمان فربه همراه با فیلم دیگری از انگلستان به نام "شهر سپیده دم" برنده جایزه بهترین فیلم شد.

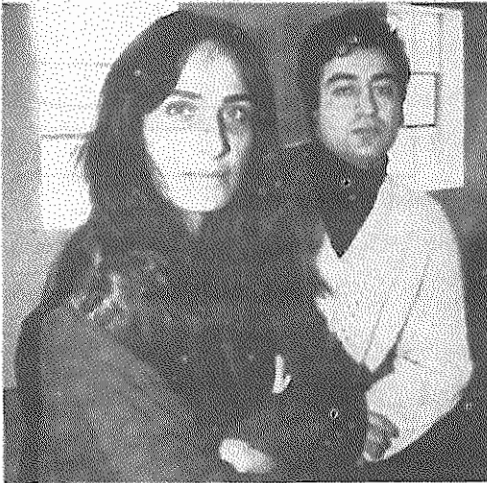
تلاش پی گیر خود، هریک به روش خویش جوانانی را که هلاقت و استعداد دارند در زمینه داستان نویسی می پرورند.

از فعالیت های هنری

هنرمندان مهاجر

توانستند موافقت کارگاه تئاتر را جلب کنند تا امکانات اجرایی نمایشنامه ای را که آنها خود نوشته اند فراهم آورد.

داستان نمایشنامه در یک سالن بیلارد اتفاق می افتد. امیر حقیقی درباره این نمایشنامه چنین



توضیح می دهد: "میرا، دختری که سوسن ایفاگر نقش او است در جستجوی کار به یک سالن بیلارد می رود. صاحب سالن به او پیشنهاد می کند بدون پرداخت مالیات (سیاه) نزد او کار کند. بدین طریق میرا با مشتریان دائمی آنها، یک معتاد، یک دزد، یک دختر جوان روسپی و آدم گردن کلفتی که همه از او واهمه دارند، آشنا می شود. تماشاگر آدم های دیگر نمایشنامه را از دیدگاه میرا که همه چیز، محیط آدم ها، فرهنگ و زبان برایش جدید است، می بیند."

پیام اصلی نمایشنامه چنین است: "انسان هایی وجود دارند که ما آنها را انسان های بد می دانیم، در حالی که هیچ کس ذاتاً بد نیست." با وجود این موضوع نمایشنامه بررسی مسئله ای جدی است اما از صحنه های خنده آور نیز هاری نیست. سوسن تسلیمی می گوید: "میرا از فرهنگی کاملاً متفاوت می آید و هنگام برخورد دو فرهنگ، گاهی موقعیت های خنده داری آفریده می شود."

نمایشنامه با چنان استقبالی رو برو شده است که هیچ کس گمان آن را نمی برد. امیر حقیقی می گوید: "ما باید به فکر اجرای متعدد در نقاط مختلف کشور و تهیه سالی که سه برابر سالن کارگاه تئاتر گنجایش داشته باشد باشیم."

دشواری کار این دو هنرمند مسئله زبان سوئدی است. چرا که آنها این نمایشنامه را به زبان سوئدی اجرا می کنند. سوسن تسلیمی به حل شوق آور این مشکل چنین اشاره می کند: "برای ما بازیگری در تئاتر برای سوئدها و به زبان سوئدی، اما در چارچوب شرایط خودمان، بزرگترین مشوق است."

* اطلاعات مربوط به نمایشنامه از روزنامه مهاجرین که از سوی اداره مهاجرت سوئد منتشر می شود گرفته شده است.

دو تا سه میلیون ایرانی در نتیجه سیاست های خشن و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی به ترک موقت میهن مجبور شده اند. این جمعیت پر شمار، در کشورهای مختلف جهان پراکنده اند و مجموعاً زندگی دشواری را می گذرانند. متخصصین و هنرمندانی که مجبور به مهاجرت از ایران شده اند، این دشواری ها را به نحو شدیدتری احساس می کنند و با آن درگیرند. هنگامی که یک متخصص نتواند مهارتش را در فعالیت تخصصی اش به کار گیرد، همواره در تهدید این خطر به سر می برد که با دانش مربوط به تخصصش که این زمان با سرهتی شگفت انگیز در تکامل و تغییر است، بیگانه شود. این مشکل بزرگ دست به گریبان هنرمندان نیز هست. ذوق، قریحه و خلاقیت های هنری بدون به کارگیری آن، همواره در خطر پژمردگی است. بزرگترین مشکل هنرمند در یک کشور فریبده، زبان این کشور است.

برخی از رشته های هنری به گونه ای تنگ تنگ با زبان در ارتباطند که در راس آنها از تئاتر می توان نام برد. از سوی دیگر همه رشته های هنری از نقاشی و هکاسی و مجسمه سازی گرفته تا موسیقی و تئاتر و سینما به امکانات اجتماعی و یا دولتی شیدا نیازمندند. بسیاری از موسیقی دانان مهاجر ایرانی و بسیاری از کارگردانان تئاتر و سینما، تنها به سبب آنکه امکاناتی از قبیل سالن و یا نیازهای اولیه کارهای هنری در اختیارشان نیست، مجبورند مدت ها از ارائه آنچه در اندیشه دارند، چشم پپوشند و یا به ندرت خلاقیت های هنری خود را جامعه عمل پپوشانند.

در این میان معمولاً هنرمندانی می توانند از این امکانات بهره گیرند که مشکل اولیه ای را که سد راهشان است از میان بردارند. این مشکل، فرا گرفتن زبان کشوری است که موقتاً مجبورند در آن زندگی کنند. هر چند که بهتر است هنرمندان برای دسترسی به امکانات اجرایی از راههایی همچون تشکیل انجمن ها و یا سندیکا های هنری در مهاجرت بهره گیرند. اگر چه بهتر است مقامات مسئول کشور محل اقامت هنرمندان راه هایی که ذکر شد، متوجه مشکلات و وادار به در اختیار گذاشتن امکانات اجرایی برای کارهای هنری کرد، با وجود این نباید از فراگیری زبان به عنوان نخستین گام برای دسترسی به امکانات و نیز برای مخاطب قرار دادن مردم همین کشورها برای توجه دادن آنان به کارهای هنری هنرمندان مهاجر قائل بود.

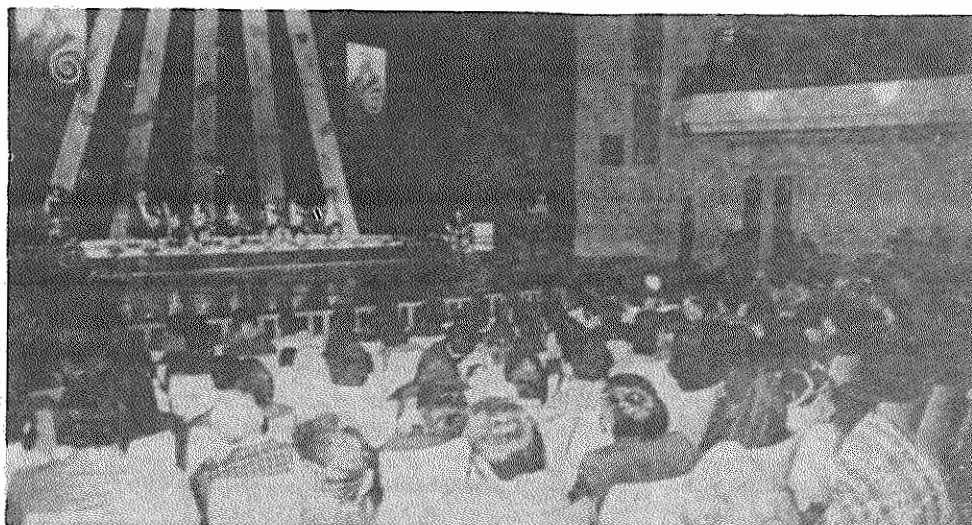
در این زمینه به عنوان نمونه ای موفق، از اجرای نمایشنامه ای به زبان سوئدی توسط دو هنرمند ایرانی به نام های سوسن تسلیمی و امیر حقیقی می توان نام برد. سوسن تسلیمی برای لاقمندان تئاتر بازیگری آشناست. امیر حقیقی نیز در ایران هنرپیشه تئاتر بود. او در کار نویسندگی و کارگردانی برای تئاتر و تلویزیون نیز تجربیاتی دارد. این دو هنرمند که هر دوشان برای شرکت در کارهای آمادگی در رشته تئاتر و فراگیری واژه ها و اصطلاحات ویژه این رشته در کارگاه تئاتر "بوته بوری" سوئد مشغول کار بودند، تصمیم به اجرای یک کار مشترک گرفتند.

نام نمایشنامه ای که این دو هنرمند، اکنون بر صحنه می آورند، "پرنده چون پرنده" است. آنان

شجریان و گروه مولانادر "دوشنبه"

به دهوت "سمنار بین المللی بزرگداشت بارید" که از روز دوشنبه سوم اردیبهشت در شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان شوری برگزار شد، محمدرضا شجریان به تاجیکستان شوری

این سمنار از دو بخش علمی و هنری تشکیل شده بود. در بخش علمی آن پژوهشگرانی که دهوت داشتند درباره زبان فارسی، فرهنگ ایران باستان، بارید موسیقی دان بزرگ ایران باستان و آثار و سبک هنری او سخن گفتند. در بخش هنری این سمنار بجز شجریان و نوازندگانی که با او



همراهی می کردند، گروه موسیقی سنتی "مولانا" نیز دهوت شده بود. سرپرستی گروه مولانا را که گروهی نسبتاً بزرگ و از ۱۲ نوازنده و یک خواننده تشکیل شده است، جلیل هندلیبی به عهده دارد. جلیل هندلیبی خود نوازنده سنتور است. خواننده این گروه هلیرضا افتخاری است که هلاقمندان موسیقی ایرانی با صدای او و بویژه کاری که او به سرپرستی حسین هلیزاده انجام داده و در نواری به نام "راز و نیاز" منتشر شده است آشنا هستند. گروه مولانا خیلی دیر به سمنار آمد و به همین سبب بیشتر از ده دقیقه موقت به اجرای برنامه نشد. هنوز هلت تاخیر این گروه موسیقی بر جا روشن نشده است.

در سمنار بین المللی بزرگداشت بارید بجز ایران از کشورهای چین، هند، ژاپن، آمریکا، آلمان شرقی، آلمان غربی، فرانسه، ایرلند شمالی، نیجریه و لیبی، هیئت هایی دهوت شده بودند و شرکت داشتند. مسئولیت این سمنار را اصر هلیرچاف هضو آکادمی علوم تاجیکستان شوری به عهده داشت.



برگزاری دومین کنگره حزب دموکراتیک مردم ایران

طی روزهای ۱۲ تا ۱۶ آوریل، دومین کنگره حزب دموکراتیک مردم ایران برگزار شد. بنا بر گزارش آخرین شماره نشریه راه ارانی مرکزی این حزب، کنگره کار خود را بر روی سه سند متمرکز کرد. این سه سند عبارت بودند از: مسائل مربوط به ایران، مبانی سیاسی و نظری و اساسنامه.

در مورد سند مربوط به تحلیل وضعیت سیاسی - اجتماعی ایران، در گزارش نشریه راه ارانی آمده است: "مهمترین بحث پیرامون این سند، حول مسئله چگونگی طرح شعار سرنگونی و یا ارزیابی از اقدامات و سیاست‌های جناح میانه‌رو دور می‌زد. گروهی از شرکت کنندگان معتقد بودند که شعارهای روز باید به نحوی انتخاب شود که به مبارزه مردم دامن زند. در برابر تعداد دیگری از اعضای کنگره تاکید داشتند که طرح شعارها نباید در مردم نسبت به امکان تحول‌پذیری این رژیم توهم ایجاد کند و ما از خواست واقعی مردم عقب بمانیم. قطعنامه سیاسی با توجه به اتفاق نظر کنگره بر سه مساله ضرورت سرنگونی رژیم، حزب را از مطلق کردن این شعار و باز ماندن از طرح شعارهای مشخص مرحله‌ای بر حذر داشته است."

در مورد سند "مبانی سیاسی و نظری" در گزارش نشریه راه ارانی از کنگره مذکور آمده است: "از جمله بحث‌های مهم در این زمینه، مساله مربوط به تعریف حزب، اعلام حزب به عنوان یک حزب برنامه سیاسی و نه حزب ایدئولوژیک و تبیین اهداف کوتاه و بلند مدت حزب بود. در بخش اهداف بلند مدت، حزب، برخی از اعضا با طرح جامع و سیطره در این مورد مخالف بودند و اعتقاد داشتند که از هم اکنون نمی‌توان و نباید برای آینده دورتری که کم و کیف آن بر ما روشن نیست وارد جزئیات شد. در سند هدف کوتاه مدت حزب مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک جمهوری مبتنی بر دموکراسی و حقوق بشر در ایران تعیین شده است. همچنین حزب موظف گردیده است در جهت نزدیکی و وحدت نیروهای چپ تواندیش و دموکرات با همه نیرو تلاش کند. در بخش مربوط به دموکراسی، دیدگاه‌های حزب در مورد دموکراسی در جامعه و جنبه‌های گوناگون آن به ویژه در پرتو تجربه کشورهای اروپای شرقی مورد بحث قرار گرفته است و سرانجام در آخرین بخش سند درباره آرمان‌های حزب، "برقراری جامعه‌ای سرشار از دموکراسی و عدالت اجتماعی" سخن گفته شده است. نکته مهم دیگر در این بخش اعلام این سوسیالیسم به عنوان وسیله نه هدف است."

در مورد سند اساسنامه در گزارش راه ارانی آمده است: "آخرین سندی که در کنگره مورد بحث قرار گرفت، اساسنامه جدید حزب بود که بر پایه دو سند پیشنهادی (سند پیشنهادی کمیسیون زیر نظر کمیته مرکزی و سند پیشنهادی یکی از سازمان‌های حزبی) تهیه شده بود. در این سند اصل سانترالیسم دموکراتیک کنار گذاشته شده است و سازماندهی جدید تشکیلات بر پایه دموکراسی وسیع پایه‌ای، خودمختاری واحدهای تشکیلاتی و آزادی گرایش‌های فکری در حزب انجام می‌شود. اساسنامه جدید، سازماندهی تشکیلات حزبی در شرایط آزاد دموکراتیک را در نظر دارد؛ تشکیلات ایران به کلی از این قاعده برکنار و تابع شرایط ویژه داخل کشور خواهد بود. در اساسنامه جدید همچنین نام کمیته

مرکزی حزب به شورای مرکزی تغییر کرده است. در کنگره دوم حزب دموکراتیک مردم ایران همچنین تصمیم گرفته شده است که نام ارگان این حزب از راه ارانی به راه آزادی تغییر یابد. در گزارش نشریه راه ارانی همچنین در مورد میهمانان دعوت شده به این کنگره آمده است: "در میان مهمانان از جمله هیات‌های نمایندگی ۴ سازمان، فدائیان خلق ایران (اکثریت) مرکب از رفقا مهدی فتاحپور و قربانعلی عبدالرحیم‌پور (مجید)، حزب دمکرات کردستان ایران مرکب از کاک حسن شرقی و... سازمان فدائیان خلق ایران رفیق ایرج نیری، حزب جمهوریخواهان ملی آقایان براتی و سحرخیز و نیز تعدادی از شخصیت‌های جنبش چپ ایران رفقا راسخ و مجید زربخش و احمدی و... حضور داشتند و در جریان بحث‌های کنگره قرار گرفتند."

از طرف هیات نمایندگی سازمان در کنگره دوم حزب دموکراتیک مردم ایران پیامی خطاب به شرکت‌کنندگان در کنگره داده شد، که متن آن به قرار زیر است:

رفقای گرامی! اجازه می‌خواهیم صمیمانه‌ترین درودهای کمیته مرکزی و همه فدائیان خلق (اکثریت) را بناسبت دومین کنگره حزب شما، حزب دموکراتیک مردم ایران، ابراز بداریم. برگزاری و موفقیت دومین کنگره حزب شما، در شرایطی که نیروهای مترقی و آزادیخواه کشور ماتحت شدیدترین فشارهای رژیم قرون وسطایی قرار دارند و در شرایط تفرق و پراکندگی نیروهای طرفدار سوسیالیسم و دیگر نیروهای جنبش ملی دموکرات کشور، طبیعتاً همه نیروهای طرفدار نوگرایی و نوسازی جنبش در راه تحقق اهداف برکناری رژیم آخوندی و استقرار رژیم دموکراتیک، تأمین پیشرفت و عدالت اجتماعی را خوشحال خواهد کرد.

بر زمینه تغییر و تحولاتی که در چند دهه اخیر بویژه با سرنگونی نظام کهنه استبدادی سلطنتی و استقرار نظام قرون وسطایی جمهوری اسلامی در کشور ما بوقوع پیوسته، بر بستر شرایط نوین حاصل از تحولات و چرخش نوین جهانی، بویژه تحولاتی که در کشورهای سوسیالیستی جریان پیدا کرده، با بهرگیری از دروسها، تجارب و دستاوردهای ناشی از این تحولات ملی و بین‌المللی، جنبش ملی - دموکراتیک ایران بویژه جنبش چپ ایران در معرض دگرگونیهای سرنوشت‌ساز قرار گرفته است. چنانچه ما نخواهیم یا نتوانیم در این نبرد سرنوشت‌ساز به جنبشی واحد با هویت و رسالت نوین دموکراتیک، ملی با آرم‌های سوسیالیسم همیتا دموکراتیک و انسانی فرا بروئیم، جنبش ما با ضایعات سنگینی مواجه خواهد شد.

با خوشحالی باید بگوئیم که خوشبختانه نیروهای واقع‌بین طرفدار سوسیالیسم علیرغم مشکلات و فشارهای سنگینی که از همه سو بر آنها وارد می‌شود، به مسئولیت بزرگ خود پی برده‌اند.

تلاش‌های صمیمانه برای رهایی از بینش و الگوهای سوسیالیسم سنتی و سوسیالیسم واقعا موجود، تلاش برای رهایی از سیطره بینش و فرهنگ سیاسی استبدادی، خود برتری، انحصار طلبی، رقیب ستیزی و هژمونیستی سنتی ملی و بین‌المللی، کوشش برای تجهیز به آخرین تجارب و دستاوردهای خرد علمی، دموکراتیک، انسان‌گرا و عدالت‌پژوه، کوشش برای تقویت و شکوفایی فرهنگ متمدنانه و کثرت‌گرایی فکری و سیاسی، تلاش مسئولانه برای دست‌یابی به برنامه و اساسنامه نوین، کوشش برای ارتقا و تبدیل به جنبشی واحد و فراگیر سیاسی، تلاش برای همکاری‌ها، اتحادها و ائتلاف‌های بزرگ و دموکراتیک علیه رژیم جمهوری اسلامی با هدف سرنگونی رژیم و استقرار رژیم دموکراتیک، همه نشانه‌های جدی از هزم راسخ طرفداران جنبش نوین ما برای انجام رسالت و وظیفه تاریخی خود هستند. ما با خوشبینی واقع‌گرایانه به آینده این جنبش می‌نگریم.

رفقا! حزب شما در چند سالی که گذشت، تلاش‌های مثبتی در این راه داشته است. ما آرزو می‌کنیم و امیدواریم که کنگره شما به دستاوردهای بیشتری دست یافته و حزب دموکراتیک مردم ایران مبارزه خود را علیه رژیم در راه تحقق هدف پایان دادن به حیات رژیم جمهوری اسلامی و استقرار رژیم دموکراتیک گسترده‌تر سازد.

رفقا! رمز موفقیت جنبش نوین ما، در همبستگی و پیوستگی همه نیروهای این جنبش است. سازمان ما در راه همبستگی و پیوستگی این جنبش، فراوری آن به یک جنبش بزرگ سیاسی در راه تحقق هدف پایان دادن به حیات رژیم جمهوری اسلامی و استقرار رژیم دموکراتیک برای ساختن ایرانی آزاد، پیشرفته و سرشار از عدالت اجتماعی از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد.

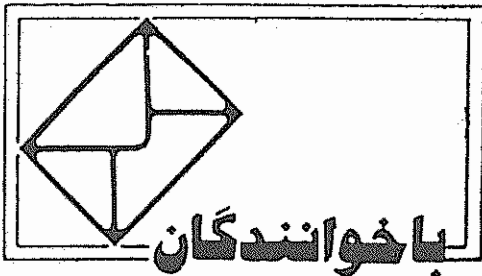
برگزاری چهاردهمین کنگره جبهه ملی ایران در اروپا

مرحله وسیع‌تری را در صفوف خود حاکم سازد. مقاله همچنین موفقیت این کنگره را بویژه مدیون این اصل می‌داند که

"با اتخاذ شیوه به تمام معنا جبهه‌ای خود و احترام از سمت‌گیریهای یکجانبه و افراطی و پربها ندادن به نظریاتی که صلاح همونی نیست، از برانگیختن نفاق و دو دستی دوری جست و در نزدیک کردن نظرها و صفها کوشش کرد."

بررسی قرار داده و هیات اجراییه را موظف به ترتیب یک سمینار وسیع جهت بررسی مسائل ایران در اسرع وقت نمود و آنگاه هیات اجرایی جدید، مرکب از پنج نفر، را برگزید. در بخشی از نوشته مزبور چنین آمده: "... جبهه ملی ایران در اروپا از این اصل همده که بدون داشتن دموکراسی درون سازمانی نمی‌توان برای دموکراسی در جامعه مبارزه کرد... کوشیده است دموکراسی

اخیرا سازمانهای جبهه ملی ایران در اروپا چهاردهمین کنگره خود را تشکیل داده‌اند. نشریه "ایران آزاد" ضمن درج خبر برگزاری این کنگره که سازمانهای جبهه ملی در آلمان، فرانسه و سوئیس در آن مشارکت داشته‌اند، گزارشی از روند کار کنگره ارائه داده است. بنا به گزارش نشریه مزبور، در دومین روز کنگره امور جاری سازمان و تدوین امرای مصوبات و برنامه سیاسی آن را مورد بحث و



"برنامه نوین" چهره بدون نقاب چپ اکثریت؟

فردی و ابتکاری اینان (روحانیون) را در زمینه‌های علمی و هنری و ادبی؟! مورد حمایت قرار دهد؟! فکر می‌کنید این پایان وظایف دولت آتی برنامه "نوین" است؟ نه هنوز ادامه دارد در فصل دوم این برنامه "نوین"؟ عناصر اینکده میادا دولت آتی فراموشش بشود. مجددا نگاه. چندی در همین زمینه را هر بخش مربوط به "نوسازی و گسترش فرهنگ" مورد تاکید مجدد قرار می‌دهد. ... تأمین امکانات ضرور برای انجام فرایند دینی و اداره امور مذهبی توسط روحانیون و فعالیت دینی، علمی و پژوهشی همواره رهبران مذهبی کشور؟! ... تأمین امکانات ضرور برای

بمسازی وضع حوزه‌های علمی... و آشنا کردن طلاب با دستاوردهای علمی و فنی و فرهنگی جهان...؟! رفیق امیر خسته نباشید.

راست گفته‌اند که از کوزه همان تراود که در اوست، خیلی طبیعی است وقتی رفیق امیر خود را از پیش متعهد می‌کند که حتماً انتقال قدرت باید از طریق مسالمت‌آمیز صورت گیرد و در این زمینه اقتدر اصرار دارد. که حتی از کلمه سرنگونی هم وحشت دارد طبیعی است که بخش همده برنامه نوین ایشان اختصاص به چنین اموری داشته باشد. و به این ترتیب به روحانیون جنایت‌پیشه حاکم نشان دهد که هستند در اپوزیسیون نیروهائی که در صورت انتقال قدرت به ایشان، هوای نان و آب و حق آب و گل روحانیون را داشته باشند. رفیق امیر یادشان رفته که بیش از یک سده است که از درون همین "حوزه‌های علمی" ندای "دیانت ما همین سیاست ماست" برخاسته و فاجعه حکومت اسلامی و نابودی ایران در همین "حوزه‌های جهل" برنامه ریزی شده است، مگر همین روحانیت و طلاب نیستند که با تمام قوا سرگرم پاکسازی ایران از دستاوردهای علمی و فرهنگی جهان هستند؟ مگر همین روحانیت شیعه نیست که هرگونه تأمین اجتماعی و انسانی را از

نزدیک به ۳۰ سال است که مقوله جریان و گرایش چپ و نواندیش در سازمان فدائیان خلق اکثریت، مشغولیت ذهنی بسیاری از نیروهای سیاسی چپ اسم از سازمان یافته یا چپ‌های منفرد است. برخی از سازمان‌های چپ در پی جهت دادن به این جریان و نهایتاً جذب آن به سازمان خودی و بسیاری از چپ‌های منفرد در انتظار اعلام مواضع نهایی این جریان و جذب شدن احتمالی به آن بودند. اما آنچه از این جریان فکری موسوم به چپ و نواندیش تا کنون دیده شد جز پلیمیک‌های تند با رهبری قدیمی سازمان بر سر نزدیکی یا حزب‌توده مورد دیگری نبود، مصاحبه اخیر با راه ارانی و انتشار "برنامه نوین" قطعاً روشن‌ترین اعلام مواضع سیاسی این جریان است. از قدیم گفته‌اند تا بچه بدینا نیامده نامی بر آن نگذارید، زیرا معلوم نیست پس است یا دختر، حالا داستان این جریان فکری است که قبل از تولد کاملش نام "چپ" و نواندیش را یدک می‌کشید و مقدر نابجا... برنامه نوین صرفنظر از بسیاری نکات آن که تقریباً شبیه برنامه همه اهمیت از چپ و راست است، مگر در یک نکته مشخص که از هر جهت استثنائی است و آن نوع برخورد با مسئله مذهب است که یکی از گریه‌ترین مسائل جامعه ماست، برنامه نوین که پس از کلی‌گویی‌های بسیار و در ازدهام کلمات، خیلی ضعیف و حساب نشده... با درآمیختن امور فلسفی، مذهبی، برایت و فایت‌شناسی با امر حزب و دولت... مخالف است. ناگهان چندسطر آنطرف‌تر ضمن جدا کردن نهادها و امور حکومتی و دولتی از نهادها و امور دینی و ضمن بر حذر داشتن دولت از دخالت در امور دینی مردم، هژمونی آزادانه و مستقلانه اموردینی را به "روحانیون" واگذار می‌کند؟! در ادامه، پاراگراف ۶ دولت را موظف می‌کند که... روحانیون و طلاب مدارس دینی را زیر پوشش تأمین اجتماعی قرار دهد. و در همین حال خیلی جدی دولت آتی را موظف می‌کند که فعالیت‌های

مردم ایران دریغ دارد؟ مگر همین رهبران مذهبی کشور نیستند که تاراج و سلاخی آزادیخواهان را در یازدهمین سالگرد انقلاب بهمن جشن می‌گیرند. رفیق‌امیر ظاهراً اقتدر فرق در شناخت جامعه سوئد شده‌اند که ظاهراً فراموش کردند برای کدام جامعه و کدام روحانیت برنامه می‌دهند. ظاهراً رفیق‌امیر روحانیت شیعه ایران را با کلیسای پروتستان سوئد هوشی گرفته‌اند. و قطعاً فراموش کرده‌اند که فاجعه حاضر جامعه ایران دست‌پخت همین طلاب و روحانیون است و نه کس دیگر و مگر همین روحانیت نیست که راه هرگونه شکوفایی و فعالیت ابتکاری علمی و هنری و ادبی را از همه روشنفکران ایران سلب کرده است. رفیق‌امیر کمان نمی‌کنید پاداش شما برای روحانیت شیعه در قبال نابودی و تخریب همه جانبه ایران بیش از اندازه سخاوتمندانه است؟ و فکر نمی‌کنید این بار برای همیشه برای پایان دادن به تسلط جهل و خرافه و تاریک‌اندیشی در ایران بپا باید خاست و اینکار لازمه‌اش دوری جستن از چنین برنامه‌های رومانتیک است؟ کوتاه سخن، اعلام برنامه نوین، نه اعلام موجودیت یک جریان چپ و نواندیش در اکثریت که نمایش چهره راست‌ترین جناح سازمان فدائیان خلق (اکثریت) است.

سودابه سام - نورنیرگ

نشست برای مبادله اطلاعات

چه در دوره رژیم شاهنشاهی و چه در دوره بعد هزاران مبارز ایرانی در آزمون‌های دشوار شکنجه‌گاه‌های دو رژیم قرار داده شده‌اند - من خود به عنوان یکی از هزاران افراد فکر می‌کنم چه آتموقع و چه بعد هیچ یک از سازمان‌های سیاسی ایران بهای کافی به درس‌اندوزی از این تجربیات نداده‌اند - چه ساواک و چه ساواما فقط از بعد جنایات هریانی که انجام داده‌اند، افشا و بی‌آبرو شده‌اند. حال آنکه روش‌های سیاسی آن‌ها، نفوذ و رخنه‌گری و سابوتاژهای آنان در درون جبهه مقابل مورد بررسی کافی قرار نگرفته است، مثال "موثق": اطلاعاتی دایر بر همکاری یک نفر با رژیم و ساواما (چند سال قبل) بخاطر افشای طرف در داخل سازمان داده شد که من شخصاً اعتقاد دارم تمامی جریان با ابتکار خود ساواما انجام شده و هدفش منحرف کردن قضیه بود که احتمالاً شخصی که واقعا همکاری می‌کرده، در قتل و قال گردوخاک بر علیه انقلابی دیگر، ردش هرگز گرفته نشود. مورد دوم: یک نفر را همراه یکی از بقیه در جبهه

پس از یکصد و چهار سال

الف - حکیمی

تنگ شده است. این ۵ سال اخیر بسیاری از باورهای ماضی را دود کرده و به آسمان برده است. در ایتالیا کمونیست ها و سوسیالیست ها در کنار هم برای اول ماه مه به میدان آمده اند. در فنلاند، حزب کمونیست سنتی و حزب های به اصطلاح "اورو کمونیست" این کشور در آستانه اول ماه مه وحدت کرده اند و در بسیاری مناطق دیگر، دمکرات ها، سوسیالیست ها، سبزها و کمونیست ها دوشادوش هم به بزرگداشت روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان اقدام کرده اند. شعارهای این روز را که می نگرند، همدتا مضامین هموم بشری مثل: صلح، مبارزه با مسابقه تسلیحاتی، انحلال خطرناک اکولوژیک و دفاع از جنبش های دمکراتیک و رهایی بخش دارند و در کنار آنها، مطالبه کاهش ساعات کار روزانه نیز هست.

✱ ✱ ✱

۶ - دور میدانی که ایستاده ایم، باد پرچم های سرخ را در کنار پرچم های سبز طرفداران حفظ محیط زیست به رقص در آورده. در کنار تریبون پلاکادی به طول آویزان است که روی آن به خط چینی نوشته اند و سخنران به یادبود و پایان کشتار ماه مه سال پیش در میدان "تیان آن من" مردم را به سکوت فرا می خواند. تصویر تلسون ماندا را همچنان روی یکی از پرچم هاست، اما این بار لیفند آزادی می زند. کسی در کنارم راه می رود و برای جنبش فلسطین کمک مالی جمع می کند و صندوق دیگری، مردم را به یاری مبارزان صحرای پولیساریو فرا می خواند. اعلامیه کردها، همبستگی جهانی علیه کشتار این خلق ستمدیده را طلب می کند و جمعیت علیه دیکتاتوری در جمهوری اسلامی ایران و عراق شعار می دهد.

کناره میدان صندوقی گذاشته اند و از مردم می خواهند تا نظرشان را در مورد نام حزب ارائه دهند: که آیا کلمه کمونیست در آن بماند یا نه؟ و سخنران می گوید: دهه ۸۰، سالهای تنش ها و بحران ها بود و دهه ۹۰، سالهای تجدیدنظر است. چپ و هدالت خواهی در جهان از بین نمی رود، بلکه خویشتن را بر شرایط نوین جهان منطبق می سازد. برای درمان شرائتمندانه هدالت اجتماعی، به انسانهای شریف که در طول تاریخ جان شیرین خود را نهادند، و ما اطمینان داریم که آرمان انساندوستانه آنها در سراسر جهان پیروز خواهد شد. الگوهای پیشین پاسخگو نبود، اما بشریت از پانمی ایستد، ما بر آئیم که جاده ترقی انسان اکنون هموارتر از گذشته است. تنها باید هوشتیار بود، روح زمان را دریافت و شیوه صحیح را برگزید.

کوچولونی که روی دوش پدرش در مقابل ایستاده دستهای ظریفش را به آسمان مشت می کند.

۲ ماه مه ۱۹۹۰

داده اند که هیچ کاری نکنند، همین تابوی فم انگیز در مراکز جمهوری گرجستان، ارمنستان و تاجیکستان هم تکرار شده. در "دوشنبه" مرکز تاجیکستان مسئولین اعلام کرده اند که همه به دلیل حکومت نظامی و همه برای صرفه جوئی بیش از ۱۰۰ هزار روبل هزینه این مراسم، از برگزاری آن خودداری کرده اند. در جمهوری های کرانه بالتیک تنها مراسم کوچکی با حضور طرفداران حزب کمونیست اتحاد شوروی برگزار می شود. وضع در تمامی نقاط دیگر هم کمابیش بر همین منوال است. شرایط بصرانی که کشور در آن به سر می برد، هرگونه جشن و سرود با شکوهی از این دست را بی معنا میکند و از سوی دیگر شاید مردم به خاطر مخالفت با این مراسم رسمی ودولتی (که همواره اجبار پشت آن بوده) به نوعی دهن کجی مشغولند. تنها در ترکمنستان، ازبکستان و قرقیزستان است که مسئولین امر موفق شده اند به سبک و سیاق سابق، دسته های گل، پرچم های بزرگ و تابلوهای عظیم از موفقیت های اقتصادی با انبوه جمعیت را بار دیگر به راه اندازند.

در پر اگه و پراستلا و هم خبری نیست. مراسم رسمی سالهای گذشته برگزار نمی شود. و تنها دسته های موسیقی از کشور مسایه تفرج کنندگان را همراهی می کند. تنها مراسم قلیل العده در این روز را طرفداران حزب کمونیست برگزار می کنند که اگر با انبوه پیشوا و روزندگان پاپ ژان پل دوم در روزهای گذشته مقایسه کنیم، کوچکی آن بیشتر به چشم می زند. اوضاع در بلغارستان، رومانی و مجارستان بر همین منوال است. تنها در برلین وضع به گونه ای دیگر است. در این جا به ابتکار سندیگای کارگری (DGB) برلین غربی و شرقی و شرکت کمونیست ها، راهپیمائی ۵۰ هزار نفره ای که تا مقابل رایشتاک می رسد، برگزار می شود.

✱ ✱ ✱

۳ - و اما در هاوانا بار دیگر ستون عظیم راهپیمایان و در پیشاپیش آنها کاسترو با لباس نظامی و چهره اخم آلودش، به پیش می روند. دهن کجی این مرد بزرگ (که روزی روزگاری از محبوب ترین رهبران سیاسی جهان بود) به اوضاع جدید جهان، بیش از هر چیز، دردناک ورنج آور است.

✱ ✱ ✱

۴ - اگر در این سو، منظره ها به کلی متفاوت با گذشته می نماید، در آن سو اما اوضاع تفاوتی کینی با گذشته نکرده است. پلیس ترکیه همچنان به بگیر و ببند تظاهر کنندگان روزگارگر مشغول است و نیروهای نظامی کره جنوبی همچنان در حال زدوخود با مردم و این بار به مناسبت اول ماه مه.

✱ ✱ ✱

۵ - اما نباید گفت که در این سو هم، همه چیز به سیاق گذشته است. الگوهای قدیمی در همه جا ترک برداشته و قالب های پیشین

۱ - امروز صبح باروحیه بسیار شادمانی از خواب برخاسته ام. روی یقه کت سرمه ای و تمیز گل سرخی سنجاق کرده ام و آماده ام تا برای راهپیمائی اول ماه مه بیرون بروم. هوای تمیز و آفتابی امروز حتی پرند ها را نیز به وجد آورده است. آنهایی که همراهند، همگی به این قصد از خانه بیرون آمده اند و دیگران مانده اند تا "روز تعطیل" را در خانه هایشان (به انزوا یا در محفل محقر دوستان) بگذرانند. صف که به راه می افتد، همان احساس قدیمی و آشنا در جانم پدیدار می شود: که بخشی از یک رودخانه ام، رودخانه ای انسانی، و پرچم ها در بالای سرمان پرواز می کنند با رنگ های گوناگون، و جمعیت شعار می دهد، و همه چیز از آن ماست: خیابانها، کوچه ها، مغازه ها و حتی رهگذران با لبخندهای محبت آمیزشان. فقط "پلیس" انتظامات.

✱ ✱ ✱

۲ - درست در همین ساعت ها، در خیابانها اطراف میدان سرخ مسکو هم رودخانه انسانی به راه افتاده. اما امسال انگار که وضع طور دیگری است. از آن جلال و جبروت اتو کشیده و با سماعی، از آن شعارها و پلاکاردهای "دستار و دهی اقتصاد مردمی" دیگر خبری نیست. پلاکاردها گما متواهای ساده ای هستند با شعارهای واقعی، که خبر از دردهای مردم می دهند که جای هکس های متعدد رهبران حزبی، این جا و آنجا هکس های ساخاروف فقید در دست مردم است. جمعیت که در میدان جمع می شود (این بار جمع می شود و مثل همیشه نمی گذرد تا رهبران لبخندی بزنند و احیانا دستی یا کلاهکی تکان دهند)، میتینگ آغاز می شود. این نخستین بار در سالهای اخیر است که به جای راهپیمائی، میتینگ برگزار می شود. اعضای مثبت سیاسی در بالای مقبره لنین ایستاده اند اما در میان شان چهره ای جدید (مثل گاوریل پوپف از لیدرهای رادیکال ها و مسئول شورای شهر مسکو) هم حضور دارند. میتینگ را اساسا رهبران سندیگائی کشور اداره می کنند که سابقا هیچ محلی از اهراب نداشتند. اعضای هس خاموش و در کنار ایستاده اند. سخنران ها اما همچنان کسل کننده و قطعنامه پایانی از آتم ادبتر است. هنگام پایان مراسم و ترک محوطه توسط رهبران، هدهای از میان جمعیت، شروع به هوو و جنجال می کنند. اینها افرادی هستند که زیر پرچم احزاب مخالف، به تظاهرات آمده اند و رنگ هلم هایشان نیز به کلی متفاوت با رنگ رسمی (یعنی سرخ) است. تعداد افراد به شکل چشم گیری کم شده تر از سالهای گذشته است. ظاهرا به این دلیل که دیگر اجباری برای شرکت در این مراسم وجود ندارد.

لنینگراد، منظره ای فم انگیز تر از این را شاهد است. هیچ راهپیمائی و میتینگی به مناسبت "روز جهانی همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان" در آن بر پا نیست. نیروهای مختلف به عنوان اعتراض، هرگونه مراسمی را تحریم کرده اند و دست اندرکاران هم ترجیح

منظره ای فم انگیز تر از این را شاهد است. هیچ راهپیمائی و میتینگی به مناسبت "روز جهانی همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان" در آن بر پا نیست. نیروهای مختلف به عنوان اعتراض، هرگونه مراسمی را تحریم کرده اند و دست اندرکاران هم ترجیح

اگر دولت موفق نشود اوضاع به ویژه روحیات مردم را تحت کنترل بگیرد، بهترین فرصت برای باقیمانده اپوزیسیون ایجاد خواهد شد. اپوزیسیون هده، "حزب صلح و دمکراسی" (ح.ص.د.) به رهبری کیم دای جونگ است که در انتخابات میان دوره ای پارلمان در سوم آوریل علیرغم انتظار عمومی، به پیروزی تعیین کننده ای دست یافت. علاوه بر این، ح.ص.د. تنها حزب بزرگ رسمی است که کما بیش جدی به خواستهای کارگران توجه می کند. اگر قصد اعلام شده اعضای حزب سابق کیم یونگ سام که به حزب بزرگ واحد نیوسته اند، مبنی بر تشکیل یک

حزب جدید هلی شود، جبهه اپوزیسیون بارهم تقویت خواهد شد. به نظر می رسد روزهایی که در کره جنوبی با بی ثباتی و ناآرامی همراه بود، به پایان خود رسیده است. اما بحران، ادامه دارد. این امید که کشور میزبان المپیک ۱۹۸۸ پس از "معجزه اقتصادی" شاهد یک "معجزه سیاسی" آرامش و ثبات باشد، تحقق نیافت. به جای آن، هواقب وخیم پیشرفت سریع و مصنوعی تقویت شده، خود را نشان می دهند.

بدین ترتیب، محصولات ژاپن در خارج ارزان تر شده اند و به برکت اعتبار بیشتر به لحاظ کیفیت، شدیداً با تولیدات کره جنوبی رقابت می کنند. سرمایه داران کره جنوبی که طی سه سال گذشته به افزایش ۶۰ الی ۷۰ درصدی دستمزدها تن داده اند، اینک خواهان تدابیر دولت اند. یک دایره تسلسل بی پایان ایجاد شده است: رویارویی میان سرمایه داران و کارگران رو به حدت است، و تضادهای اجتماعی با اقدامات سرکوبگرانه نه تنها فیصله نمی یابند، بلکه آشکارتر نیز می شوند.

ح.د.، حزب حاکم که اخیراً فصل تعهید یافت تا به ثبات بیشتر سیاسی کمک کند، هنوز نخستین آزمون بزرگ خود را پشت سر نگذاشته است. این خطر وجود دارد که این حزب با توجه به تحولات اخیر یک سال هم دوام نیاورد. در این حزب، درگیری های داخلی آغاز شده است که در آن به ویژه کیم یونگ سام، رهبر دومین فراکسیون بزرگ حزب (حزب سابق اپوزیسیون موسوم به "حزب احیای وحدت و دمکراسی") و پارک چول اون، وزیر امور سیاسی و مشاور ویژه سرویس امنیتی شرکت دارند. مقام اخیر، در ۱۸ آوریل استعفاداد.

همانگونه که در شماره گذشته گزارش دادیم، کره جنوبی در هفته های گذشته شاهد موج اعتصابات کارگری بود. کدام عوامل و زمینه ها باعث آغاز این دور جدید از مبارزات شدند؟

و پلیس از سوی دیگر، صورت می گیرد. اما ناراضی عمومی تقریباً همه بخش های مردم را در بر می گیرد. برای این ناراضی، دلایل کافی وجود دارد. موفقیت اقتصادی در طول نیمه دوم دهه هشتاد، در ترکیب با مازاد هنگفت موازنه تجاری، در کره جنوبی نیز باعث "بیماری ژاپنی" شده است. پول مازاد، بلافاصله وارد بورس و بازار مستقلا شد. همراه با نرخ سهام، بهای زمین در سئول سر به فلک کشید. مقصر اصلی، در کره نیز مانند ژاپن شرکت های بزرگ بودند. این شرکتها در کره "چپ بول" نام دارند و برخی از آنها مانند هیوندای، سامسونگ و یا گلدستار به شهرت بین المللی دست یافته اند. امروز کمابکان ۶۰ درصد کل اراضی متعلق به تنها پنج درصد جمعیت است.

علیرغم افزایش دستمزدها در سالهای اخیر، رونق خرید و فروش باعث قطب بندی باز هم بیشتر در توزیع درآمدها که قبل از آن نیز نابسامان بود، شد. نتیجه، تنش های اجتماعی است که به ویژه در کره جنوبی به سرعت به بحران های حاد سیاسی می انجامد. این تنش ها به اتفاق سیاست تند دولت علیه کارگران و انتشار محروم (علیرغم همه مواهید قبلی به آنها)، یک ترکیب انفجاری می سازد.

حکومت هنوز با یک تعدد واقعی مواجه نیست، اما می داند که اگر نخواهد از بحران بعدی که باز هم خطرناک تر خواهد بود، پیش گیری کند، باید پیش شرطهای اقتصادی برای امید بیشتر به آینده را ایجاد نماید. و دقیقاً همین امر است که در حال حاضر دشوار است. در سال گذشته اقتصاد کره جنوبی تنها به میزان ۶/۷ درصد رشد کرد، و این برای مردم کره که به اعداد دو رقمی آهنگ رشد هادت کرده اند، رضایت بخش نیست. اگر اعتصابات طولانی و متعدد، باعث اطمینانی نمی شد، تقریباً ۳/۵ درصد بیشتر قابل دستیابی می بود. پس از آنکه صادرات کره جنوبی در نیمه دوم ۱۹۸۹ به میزان زیادی کاهش یافت، این کشور در سه ماه نخست ۱۹۹۰ دچار کسری موازنه تجاری ۱/۱ میلیارد دلاری شد. در سه ماهه مشابه سال قبل، کره جنوبی ۱/۳ میلیارد دلار مازاد موازنه تجاری داشت.

علاوه بر این، نرخ دلار آمریکا طی دو سال گذشته در مقایسه با وون، واحد پول کره جنوبی کاهش یافت، و اینک نرخ بین واحد پول ضعیف ژاپن نیز رو به کاهش است. تنها یک نفر دیگر از قرار ملاقات این دو اطلاع داشته است. بهر حال نمونه ها بنظر من زیاد است. پیشنهاد من ترتیب یک سمینار و یا اگر چنین اجتماعی مقدور نیست، قانونی برای جمع آوری اطلاعات در این زمینه است. اگر اینکار با همکاری سایر نیروهای سیاسی بتوان کرد، چه بهتر.

کم نیستند افرادی که به عنوان اعضای راه کارگر، مورد بازرسی خیابانی قرار می دهند، آن عضو راه کارگر دستگیر و بعد از دوروز اعدام می شود. چند روز بعد شایعه می شود فردی که همراه وی بود او را لو داده است. در صورتی که چنین چیزی نبود، متأسفانه طرف مورد اتهام هم به قضیه ساده و در حد شایعه پراکنی عمومی بر خورد می کند، حال آنکه

چهار روز تمام، آتش، گاز اشک آور و زدوخورد، چهره شهرها را تعیین بخشیده بود. بر همه این ها، مرگ کیم یونگ ایل، کارگر ۲۸ ساله شرکت "تونگیل" در شهر چانگ وون نیز افزوده شد. او روز پنجشنبه، سوم ماه مه، در حالیکه آتش به تینر بود، خود را آتش زد و از طبقه دوم یک ساختمان به خیابان پرتاب کرد. وی در نامه های وداع خود، از آنچه بسیاری از مردم کره را آزار می دهد، سخن گفته است: دشواری های زندگی و سرکوب جنبش کارگری توسط پلیس آنچه با سرکوب قهرآمیز اعتصاب اسکله کشتی سازی

همانگونه که در شماره گذشته گزارش دادیم، کره جنوبی در هفته های گذشته شاهد موج اعتصابات کارگری بود. کدام عوامل و زمینه ها باعث آغاز این دور جدید از مبارزات شدند؟

"هیوندای" در ۲۸ آوریل آغاز شد، به جنبش توده ای علیه حکومت مبدل گردیده است. کارگران در برابر تدابیر تشدید شده و غالباً غیرقانونی علیه سندیکاها و اعتصابات، مقاومت می کنند. همگان، از زنان خانه دار گرفته تا سرمایه گذاران خصوصی در سئول و سایر شهرها، که طی سال های گذشته در جریان رونق بورس سودهای کلان به دست آوردند و مقدار هرچه بیشتری کالاهای لوکس را به خریدار خریدند، از سقوط نرخ سهام به خشم آمده اند (در سه ماهه نخست سال ۱۹۹۰، بهای سهام بیش از ۲۴ درصد پائین آمده است). دانشجویان با حزب حاکم جدید که حزب لیبرال دمکرات (ح.ل.د.) نام دارد، مخالفت می کنند. این حزب، اوایل فوریه از اقامت حزب حاکم پیشین با دو حزب اپوزیسیون تشکیل شد و اینک در پارلمان اکثریت قریب به اتفاق دارد.

این روزها، مردم کره حتی به سنت هایی که از مدت ها پیش منسوخ شده اند، روی می آورند. سرمایه گذاران و دلالان بورس در هفته اول ماه مه مراسم دعا برای اعیای رونق بازار سهام ترتیب دادند. خانم یون سو اوک، تاجر موفق اهل سئول که او نیز در دلالی سهام دچار ضرر شده است، می گوید: "همه ما بدبینیم. تقریباً مد شده است که افول معجزه اقتصادی ما را همین فردا انتظار بکشیم. خیلی ساده به نظر می رسد دولت دیگر نمی تواند اعمال کنترل کند."

انفجار اخیر اعتراضات را تصمیمات دولت از هنگام ترمیم کابینه در اواسط مارس برانگیخت. دولت، کنترل های شدید تازه ای علیه جنبش کارگری وضع کرده است تا به اقتصاد آسیب دیده کشور کمک کند. تظاهرات زد و خوردها همدتا میان کارگران و دانشجویان از یک سو،

بقيه از صفحه ۴

از برنامه "حزب سوسیالیسم دموکراتیک" (آلمان شرقی)

— یک دولت مدرن مدنی که در آن حقوق فردی و سیاسی و نیز اجتماعی، فرهنگی و جمعی بشر تحقق یابد؛

— برابری اجتماعی واقعی مرد و زن و فرهنگ جدیدی برای زندگی مشترک آنها

— جامعه‌ای که با کودکان، شهروندان مسن، معلولین و اصولاً همه اعضای ضعیف خود، با گرمی، حمایت و کمک برخورد کند؛

— ساختارهای مردمی و رشد مستقلانه شهرها و بخش‌ها؛

— امکانات متنوع رشد سیاسی، حرفه‌ای و فرهنگی برای جوانان

— جامعه فرهنگی که در آن فرد بتواند رشد کند و علم، آموزش، فرهنگ و ورزش آزادانه بسط یابد و در اختیار تمام مردم باشد؛

— صلح، خلع سلاح همومی و کامل، گشوده بودن بروی جهان، دوستی و همبستگی با همه ملل، یک نظام عادلانه برای اقتصاد جهانی و احترام به حق تعیین سرنوشت هر ملت.

— اقتصاد بازار با میزان بالایی از امنیت اجتماعی و اکولوژیک، برابری امکانات و آزادی فردی برای همه اعضای جامعه؛

— برای تحقق این اهداف، ما به اتفاق سایر نیروهای چپ و دموکراتیک خواهان برقراری سوسیالیسم دموکراتیک هستیم.

سوسیالیسم دموکراتیک برای ما به معنای جانبداری از جامعه‌ای صلح‌دوست، انسانی و برادرانه است، که در آن هر انسان به اتفاق دیگران بتواند به رشد آزادانه دست یابد و با حقوق برابر، در زندگی اقتصادی، سیاسی و فکری - فرهنگی شرکت جوید.

سوسیالیسم دموکراتیک برای ما نه یک پدیده بسته است و نه یک نظام اجتماعی است که بتوانیم به سرعت در سرزمین آلمان برقرار کنیم، بلکه راهی است مداوم، وظیفه و فراخوانی مداوم.

ادامه دارد

۳- عدالت: هر انسان، هر گروه اجتماعی و ملی، هر نیروی سیاسی دموکراتیک باید برای تحقق منافع خود در جامعه امکانات و حقوق برابر با دیگران داشته باشد.

۴- کار هدفمند و فراغت: باین امر مستلزم بالا بردن راندمان کار، کاهش تدریجی و تنظیم انعطاف پذیر زمان کار به سود کارکنان و تحقق محتوایی برای کار است که به رشد شخصیت کمک کند. باید امکان تنظیم خلافت اوقات فراغت بر اساس تصورات هر فرد بیشتر شود تا هر انسان آرامش، استراحت و فرصت تفکری را که برای رشد او لازم است، بیابد.

۵- آزادی، دموکراسی و حقوق بشر: احترام به حیثیت و آزادی هر انسان، شرط اجتناب ناپذیری زندگی مشترک اجتماع در دموکراسی است. حقوق بشر در وحدت و تمامیت آن، معیار تعیین کننده در همه اجتماعات است.

۶- حفظ مبانی طبیعی زندگی: موجودیت هر انسان وابسته به این مبانی است. از این رو اقتصاد و حفظ محیط زیست باید هم در روند باز تولید کل جامعه و هم در مقیاس بین المللی به گونه‌ای جدید با هم پیوند یابند. نظام ارزش‌ها، نیازها و سبک زندگی باید با هدف حفظ محیط زیست سالم و زیبا، انطباق یابد تا این محیط زیست برای نسل‌های آتی نیز حفظ شود.

۷- صلح داخلی و خارجی: چنان فرهنگ سیاسی برای زندگی مشترک انسان‌ها که وجوه مشخص آن برانث از قهر، تحمل دیگران، احترام گروه‌های اجتماعی، مردان و زنان، نسل‌ها و ملیت‌ها به یکدیگر، تبادل و مسابقه خلاق افکار، صلح دوستی، بشر دوستی، مخالفت با فاشیسم، دوستی ملل و احترام به سایر فرهنگ‌هاست، شرط اجتناب ناپذیر تمامین صلح در درون جامعه ما و میان ملت‌هاست.

اهداف ما

ما پیرو سیاستی چپ و سوسیالیستی هستیم. اهداف ما عبارتند از:

— مجال برای رشد هر فرد؛

حزب سوسیالیسم دموکراتیک از وحدت آلمان در چارچوب خلق‌ها و ملل آزاد و برابر حقوق اروپا، جانبداری می‌کند. شرط این چشم‌انداز، این است که هر دو دولت آلمان دگرگون شوند، از ارزش‌های بدست آمده توسط مردمشان دست نکشند و در وحدت با خود، عناصر مستقلاً به ارمغان آورند.

ح. س. د. خواهان حفظ این ارزش‌هاست:

— موضع آگاهانه مردم در احساس تعهد نسبت به صلح، همبستگی و مخالفت با فاشیسم؛

— سطح قابل توجهی از فرهنگ روابط بین انسان‌ها که از روابط در یک جامعه مبتنی بر خودخواهی، گرم‌تر و برادرانه‌تر است؛

— تامین اجتماعی، از جمله حق کار و تامین مسکن از طریق یک صندوق مسکن بزرگ اجتماعی؛

— حقوقی که تا کنون زنان طبق قانون اساسی از آن بهره‌مند بوده‌اند؛

— اشکال نوین تأثیر گذاری پایه‌ای دموکراتیک که با جنبش توده‌ای به وجود آمده است و تضمین حق همه پرسر در قانون اساسی؛

— میزان بالایی از امنیت فردی از طریق پیشگیری و مبارزه با جرم؛

— میزان بالایی از تامین جا برای کودکان در کودکانستانها و مهدکودک‌ها و آموزش مستقل از موقعیت افراد در نظام مالکیت اجتماعی؛

— سلب امکان بورس بازی روی اراضی؛

— نتایج اصلاحات ارضی و تعاونی‌های تولیدی کشاورزی قابل رشد.

ح. س. د. به عنوان حزب سوسیالیستی، بروی همه نیروهای مردم که طرفدار جامعه‌ای مبتنی بر عدالت اجتماعی و روابط انسانی استوار بر همبستگی‌اند، گشوده است. حزب به ویژه منافع کارگران و همه زحمتکشان را مد نظر دارد. ح. س. د. به دنبال کسب انحصاری قدرت نیست و با هدف تحمل افکار دیگر، اعتقاد به خطا ناپذیری، رسالت ویژه برای خود قائل شدن، و فرقه گرایی سیاسی، بیگانه است. برای ما، انحصار حقیقت وجود ندارد.

حزب، هویت سیاسی خود را از جریانات جنبش کارگری آلمان و جهان، از سنن انقلابی و دموکراتیک مردم آلمان و از مبارزه با فاشیسم می‌گیرد. ح. س. د. از وجوه اشتراک بسیار با مواضع انسان‌دوستانه اخذ شده از اندیشه صلح‌دوستانه و یا مذهبی، آگاه است و این مواضع را در درون خود می‌پذیرد.

ما از تاریخ اندیشه بشر دوستانه الهام می‌گیریم، به ویژه از نظرات دیالکتیکی و ماتریالیستی کارل مارکس و فریدریش انگلس، ویلهلم لیبنکشت و آگوست بیل، ادوارد برنشتاین و کارل کائوتسکی، رزوالو کز امبورگ و کارل لیبنکشت، و لنین و انتونیو گرامشی و تکامل متنوع بعدی اندیشه‌های آنها. حزب با حفظ موضع انتقادی، همه این اندیشه‌ها را به درون خود می‌پذیرد.

برای حل مسائل حال و آینده، نیاز به فکری اندیشه مدرن و پیشرفته در هر صحنه تئوری‌های اجتماعی عصر ما وجود دارد.

اما عضویت در حزب، منوط به اعلام جانبداری از یک جهان بینی معین نیست. حزب، وحدت خود را از اشتراک اهداف سیاسی اعضای خود و از برخورد تمام با تحمل میان یکدیگر، می‌گیرد. فرمول‌بندی اهداف حزب، مستلزم مسابقه میان اندیشه‌های اعضا، پلاتفرم‌ها و جریانات درون حزبی نیز هست. ساختارهای دموکراتیک تضمین می‌کنند که حزب، حزب فعال اعضای خود باشد، و شکل‌گیری اراده حزب از پایین به بالا را تامین می‌نماید. مبانی عمل، تصمیمات اتخاذ شده برای اکثریت است. اقلیت حق دارند علناً مواضع خود دفاع کنند و آن را بار دیگر در معرض تصمیم‌گیری قرار دهند.

حزب، بدنبال توافق و اتحاد عمل با سایر احزاب و جنبش‌های دموکراتیک به منظور حل مسائل حیاتی انسان‌هاست. ح. س. د. خواهان روابط همکاری با سوسیال دموکراسی است و به مثابه حزب سوسیالیست آلمان، بخشی از جنبش‌های بین‌المللی و گسترده دموکراتیک، و چپ است که برای صلح، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی مبارزه می‌کنند.

حزب، در صدد همکاری با همه نیروهایی است که از حل بشردوستانه مسائل جهانی زمان ما جانبداری می‌کنند.

ارزش‌های ما

ارزش‌هایی که حزب ما نسبت به آن متعهد است عبارتند از:

۱- فردیت: فردیت، شامل رشد آزاد اندیشه و احساسات، توانایی‌ها و استعدادهای هر انسان، تحقق هدف تلاش‌ها و تجارب فردی، شکل دادن به روابط اجتماعی فنی با سایر انسان‌ها، استقلال در داوری و عمل هر انسان است.

۲- همبستگی: ما می‌خواهیم همبستگی میان انسان‌هایی که کار می‌کنند، میان نسل‌ها، مرد و زن، خلق‌ها، ملل و ملیت‌ها را رشد و گسترش دهیم.

"حزب سوسیالیسم دموکراتیک" (ح. س. د.) جانشین "حزب سوسیالیست متحده آلمان" (ح. س. م. آ.) است که بیش از چهل سال، زمام امور را در آلمان شرقی در دست داشت. با اوج‌گیری بحران در این کشور در سه ماهه آخر سال ۱۹۸۹، ح. س. م. آ. دچار دشواری‌های داخلی فراوانی شد و سرانجام پس از یک دوره از مبارزات درون حزبی، همه رهبران ح. س. م. آ. به هلت مسئولیت آنها در بحران فراگیر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آلمان شرقی، از حزب اخراج شدند، حزب نام جدیدی برای خود برگزید و برنامه و اساسنامه تازه‌ای فراراه خود قرارداد.

برنامه ح. س. د. که در ۲۵ فوریه ۱۹۹۰ در کنگره پیش از انتخابات ۱۸ مارس تصویب شده است، ۲۰ صفحه و سه فصل را شامل می‌شود. به منظور آشنایی با ترمینولوژی و اسلوب جدید برنامه‌نویسی احزاب چپی که در اروپا از احزاب کمونیست پیشین فرا می‌رویند، ترجمه بخش‌هایی از برنامه ح. س. د. را در این شماره می‌آوریم.

حزب سوسیالیسم دموکراتیک در دوره‌ای که سرشار از امیدها و بیم‌هاست، این برنامه را ارائه می‌کند. برنامه، مواضع و اهداف ما را در روندهای توفانی زمان ما، مشخص می‌سازد.

بشریت، در آستانه هزاره سوم قرار دارد. انسان، از این آستانه چگونه خواهد گذشت - صلح و رفاه، و یا رویارویی و فقر، کدام قلبه خواهند داشت؟

در تاریخ گذشته، انسان‌ها هیچگاه از یک سو این همه کالا تولید نکرده و از سوی دیگر، این کالاهارا تا این حد نامادلانه توزیع نکرده‌اند. هیچگاه تا این حد سایل نابودی برهم انباشته نبوده است، و سایی که با آن می‌توان تمدن بشری را از میان برد.

زمان، زمان فرصت‌های بی‌سابقه و خطرات غیر قابل پیش‌بینی است، زمان دگرگونی و نوسازی ارزش‌ها و راه‌ها.

جهان ما، نیازمند نوع جدیدی از پیشرفت برای قلبه بر مسائل جهانی است، مسائلی که همواره مسائل ما نیز هست. اهداف این پیشرفت، چنین است:

— رشد همسان با نیازهای اجتماعی و اکولوژیک به جای تلاش بی‌ملاحظه برای تحقق هر آنچه امکان فنی آن موجود است؛

— نظام اقتصادی مبتنی بر همبستگی به جای رشد به سود عده‌ای و به ضرر دیگران؛

— رشد توأم با پیش‌بینی، و بنا بر این قابل برنامه‌ریزی و کنترل، به جای جریان بعدی آسیب‌هایی که کورگورانه وار دامنه‌اند؛

— ایجاد نظام صلح پایدار و برخورد با فرهنگ همه گروه‌های منافع با یکدیگر به جای خطر مداوم جنگ تهدید به اعمال قهر هسته‌ای و حل نظامی اختلافات.

در این عصر، اندیشه سوسیالیسم، یکی از سترگ‌ترین اندیشه‌های انسان‌دوستانه تاریخ بشر، توسط سوسیالیسم اداری - سانترالیستی خدشه‌دار شد. از اعتبار اصطلاح سوسیالیسم، کاسته شده است. هرکس طرفدار سوسیالیسم باشد، در مظان این اتهام قرار می‌گیرد که طالب بازگشت دوره استالین است.

با همه درکی که از این واقعیت داریم، این واقعیت نیز به قوت خود باقی است که اندیشه سوسیالیستی اولیه، به هیچ وجه امروزی بودن خود را از دست نداده است.

سرمایه‌داری، دارای راندمان اقتصادی است و بر فنی تمدن جهانی افزوده است. اما آشکار شده است که نمی‌تواند منافع همگانی بشریت در جهت تضمین صلح، خلع سلاح و ایجاد رابطه‌ای موزون با طبیعت را برآورده ساخته و عدالت اجتماعی را تامین کند. کشورهای صنعتی نیرومند سرمایه‌داری، ثروت خود را به میزان همده‌ای از قبل ملل کشورهای رشدیافته تامین می‌کنند و با ایجاد یک نظام اقتصادی عادلانه، مخالفت می‌ورزند.

سوسیالیسم به مثابه بیان آرمانهای کهن بشریت - عدالت اجتماعی، همبستگی، آزادی برای ستم دیدگان، کمک به ضعیف - زوال نخواهد یافت. بگذار مخالفان سوسیالیسم صدها بار مرگ آن را جشن بگیرند. فراخوان به انسان‌ها برای رفتار انسانی‌تر، رفتاری مبتنی بر همبستگی با یکدیگر، برای راه ما به سوی آینده‌ای تامین شده، از هر زمانی پرامهیت‌تر شده است.

کیستیم و چه می‌خواهیم

مردم در کشور ما، دگرگونی همیتی را آغاز کرده‌اند. ساختارهای بوروکراتیک دولت خودکامه در جمهوری دموکراتیک آلمان (ح. د. آ.) شکسته شد.

از این طریق، جنبش توده‌ای امکان آفازی نوین و دموکراتیک را فراهم آورد. ما می‌خواهیم در حفظ و گسترش دستاوردهای دموکراتیک تازه کسب شده، شرکت کنیم.

زبانه‌های اتمی، خطری مهلک برای محیط زیست

گرفته تا هزاران سال را دارا می‌باشند. برای مثال ۸ روز پس از فاجعه اتمی چرنوبیل، اتم خطرناک پد-۱۳۱ که نیمه عمرش معادل ۸ روز است، قسماً کم خطر شد و پس از چند ماه خاصیت تشعشع زائی خود را کاملاً از دست داد. اما منصر سزیوم - ۱۳۷ که نیز در نتیجه انفجار مزبور در گستره وسیعی از اروپا و آسیا پخش گردید، از نیمه عمری معادل ۳۰ سال برخوردار است و خطرش تنها پس از صدها سال کاملاً مرتفع خواهد شد. به عبارت دیگر عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

عناصری همچون سزیوم - ۱۳۷ و یا استرونتیوم - ۹۰ (با نیمه عمری معادل ۲۸٫۵ سال) که در جریان تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی پدید می‌آیند، خود را حفظ کرده و برای انسان مضر خطرناک بسیار می‌باشند.

"سزیوم" ساخته‌اند که نفوذناپذیریش در برابر تشعشعات رادیواکتیوی از سایر سنگ‌ها و خاک‌ها بیشتر است و با محصور کردن زبانه‌های اتمی در این سازه‌های ساخته شده از این سنگواره بهتر می‌توان محیط پیرامون را از خطر آن‌ها مصون داشت. با اینهمه، مشکل رفع و نابودی زبانه‌های اتمی همچنان لاینحل مانده است.

آمریکایی‌ها اخیراً در این زمینه کمی پیش افتاده‌اند و با ادامه موفقیت‌آمیز برخی تلاش‌ها و نوآوری‌های ناموفق گذشته، چنانچه به‌پای کرده و از یافتن بهترین راه برای رفع زبانه‌های اتمی سخن می‌رانند. اما ایده آمریکایی‌ها ایده واقعاً نوینی نیست و مدهان هم نه آمریکا، بلکه اروپا می‌باشد، لیکن آمریکایی‌ها این ایده را پی گرفتند و به سرانجام رساندند. شیوه آمریکایی‌ها با نشانه گرفتن ریشه دشواری در پی حل بنیادین آن است.

هنگام تقسیم هسته اتم اورانیوم در نیروگاه‌های اتمی شمار زیادی از عناصر اقلب ناپایدار پدید می‌آیند که خود نیز بعداً دچار تجزیه شده و تشعشعات اتمی مرکزاً از خود بروز می‌دهند. به‌وسیله فرمول موسوم به "فرمول نیمه عمر" می‌توان زمان لازم برای پایان یافتن بخش بزرگی از تشعشعات مرکزاً ی اتم رادیواکتیو را محاسبه نمود. نیمه عمر یک اتم رادیواکتیو مشخص، مدت زمانی است که نیمی از هسته آن اتم متلاشی و تجزیه می‌شود. در روند تولید انرژی در نیروگاه‌های اتمی، گونه‌های مختلفی از اتم‌ها پدید می‌آیند که نیمه‌عمرهای متفاوتی، از کسری از یک ثانیه

بسته از صنفه آخر امروزه ۱۸٪ برق مورد نیاز دنیا در ۴۳۳ نیروگاه اتمی تولید می‌شود. در این نیروگاه‌ها، اتم که سنگ پایه ماده است، تجزیه شده و دوباره در شکل نوینی ترکیب می‌شود. این امر تا ۵۰ سال پیش ناممکن می‌نمود. در روند تجزیه و ترکیب اتم‌ها تنها گرما و انرژی الکتریکی بلکه اتم‌های جدیدی نیز تولید می‌شوند که قبلاً بر روی زمین وجود نداشته‌اند. چنین اتم‌هایی ناپایدارند و اگر انسان در برابر تشعشعات آن‌ها محافظت نشود، اثرات مرکزائی بر وی برجا خواهد گذاشت. برخی از این اتم‌ها تشعشعات مرکزائی خود را تا صدها هزار سال نیز ادامه می‌دهند. از همین روست که مشکل دفع زبانه‌های اتمی نیروگاه‌ها که حاوی چنین اتم‌هایی هستند، هنوز هم پاسخ کامل و بایسته‌ای نیافته است. نسل‌هایی از کارشناسان اتمی وقت و نیروی خود را مصروف یافتن چنین پاسخی کرده‌اند. زمانی راه‌حل این کارشناسان، دفع زبانه‌های اتمی در اعماق دریاها بود. این روش تا سال ۱۹۸۳ اجرا هم می‌شد. زمانی پیشنهاد کردند که این زبانه‌ها در صحرای چین چال شوند. برخی از این کارشناسان بر آن بودند که زبانه‌های اتمی را باید بوسیله موشک دوربرد به خارج از جو زمین ارسال کرد و یا آن‌ها را در محفظه‌هایی که از گِل رس‌یاسنگ نمک و یا... تهیه شده‌اند، ریخت و در اعماق زمین مدفون کرد. چنین شیوه‌ای هنوز هم رایج‌ترین شیوه در سطح جهان است. زمین‌شناسان استرالیائی سنگواره‌های مصنوعی به‌نام

بروزه ۱۸٪ برق مورد نیاز دنیا در ۴۳۳ نیروگاه اتمی تولید می‌شود. در این نیروگاه‌ها، اتم که سنگ پایه ماده است، تجزیه شده و دوباره در شکل نوینی ترکیب می‌شود. این امر تا ۵۰ سال پیش ناممکن می‌نمود. در روند تجزیه و ترکیب اتم‌ها تنها گرما و انرژی الکتریکی بلکه اتم‌های جدیدی نیز تولید می‌شوند که قبلاً بر روی زمین وجود نداشته‌اند. چنین اتم‌هایی ناپایدارند و اگر انسان در برابر تشعشعات آن‌ها محافظت نشود، اثرات مرکزائی بر وی برجا خواهد گذاشت. برخی از این اتم‌ها تشعشعات مرکزائی خود را تا صدها هزار سال نیز ادامه می‌دهند. از همین روست که مشکل دفع زبانه‌های اتمی نیروگاه‌ها که حاوی چنین اتم‌هایی هستند، هنوز هم پاسخ کامل و بایسته‌ای نیافته است. نسل‌هایی از کارشناسان اتمی وقت و نیروی خود را مصروف یافتن چنین پاسخی کرده‌اند. زمانی راه‌حل این کارشناسان، دفع زبانه‌های اتمی در اعماق دریاها بود. این روش تا سال ۱۹۸۳ اجرا هم می‌شد. زمانی پیشنهاد کردند که این زبانه‌ها در صحرای چین چال شوند. برخی از این کارشناسان بر آن بودند که زبانه‌های اتمی را باید بوسیله موشک دوربرد به خارج از جو زمین ارسال کرد و یا آن‌ها را در محفظه‌هایی که از گِل رس‌یاسنگ نمک و یا... تهیه شده‌اند، ریخت و در اعماق زمین مدفون کرد. چنین شیوه‌ای هنوز هم رایج‌ترین شیوه در سطح جهان است. زمین‌شناسان استرالیائی سنگواره‌های مصنوعی به‌نام

بروزه ۱۸٪ برق مورد نیاز دنیا در ۴۳۳ نیروگاه اتمی تولید می‌شود. در این نیروگاه‌ها، اتم که سنگ پایه ماده است، تجزیه شده و دوباره در شکل نوینی ترکیب می‌شود. این امر تا ۵۰ سال پیش ناممکن می‌نمود. در روند تجزیه و ترکیب اتم‌ها تنها گرما و انرژی الکتریکی بلکه اتم‌های جدیدی نیز تولید می‌شوند که قبلاً بر روی زمین وجود نداشته‌اند. چنین اتم‌هایی ناپایدارند و اگر انسان در برابر تشعشعات آن‌ها محافظت نشود، اثرات مرکزائی بر وی برجا خواهد گذاشت. برخی از این اتم‌ها تشعشعات مرکزائی خود را تا صدها هزار سال نیز ادامه می‌دهند. از همین روست که مشکل دفع زبانه‌های اتمی نیروگاه‌ها که حاوی چنین اتم‌هایی هستند، هنوز هم پاسخ کامل و بایسته‌ای نیافته است. نسل‌هایی از کارشناسان اتمی وقت و نیروی خود را مصروف یافتن چنین پاسخی کرده‌اند. زمانی راه‌حل این کارشناسان، دفع زبانه‌های اتمی در اعماق دریاها بود. این روش تا سال ۱۹۸۳ اجرا هم می‌شد. زمانی پیشنهاد کردند که این زبانه‌ها در صحرای چین چال شوند. برخی از این کارشناسان بر آن بودند که زبانه‌های اتمی را باید بوسیله موشک دوربرد به خارج از جو زمین ارسال کرد و یا آن‌ها را در محفظه‌هایی که از گِل رس‌یاسنگ نمک و یا... تهیه شده‌اند، ریخت و در اعماق زمین مدفون کرد. چنین شیوه‌ای هنوز هم رایج‌ترین شیوه در سطح جهان است. زمین‌شناسان استرالیائی سنگواره‌های مصنوعی به‌نام

بروزه ۱۸٪ برق مورد نیاز دنیا در ۴۳۳ نیروگاه اتمی تولید می‌شود. در این نیروگاه‌ها، اتم که سنگ پایه ماده است، تجزیه شده و دوباره در شکل نوینی ترکیب می‌شود. این امر تا ۵۰ سال پیش ناممکن می‌نمود. در روند تجزیه و ترکیب اتم‌ها تنها گرما و انرژی الکتریکی بلکه اتم‌های جدیدی نیز تولید می‌شوند که قبلاً بر روی زمین وجود نداشته‌اند. چنین اتم‌هایی ناپایدارند و اگر انسان در برابر تشعشعات آن‌ها محافظت نشود، اثرات مرکزائی بر وی برجا خواهد گذاشت. برخی از این اتم‌ها تشعشعات مرکزائی خود را تا صدها هزار سال نیز ادامه می‌دهند. از همین روست که مشکل دفع زبانه‌های اتمی نیروگاه‌ها که حاوی چنین اتم‌هایی هستند، هنوز هم پاسخ کامل و بایسته‌ای نیافته است. نسل‌هایی از کارشناسان اتمی وقت و نیروی خود را مصروف یافتن چنین پاسخی کرده‌اند. زمانی راه‌حل این کارشناسان، دفع زبانه‌های اتمی در اعماق دریاها بود. این روش تا سال ۱۹۸۳ اجرا هم می‌شد. زمانی پیشنهاد کردند که این زبانه‌ها در صحرای چین چال شوند. برخی از این کارشناسان بر آن بودند که زبانه‌های اتمی را باید بوسیله موشک دوربرد به خارج از جو زمین ارسال کرد و یا آن‌ها را در محفظه‌هایی که از گِل رس‌یاسنگ نمک و یا... تهیه شده‌اند، ریخت و در اعماق زمین مدفون کرد. چنین شیوه‌ای هنوز هم رایج‌ترین شیوه در سطح جهان است. زمین‌شناسان استرالیائی سنگواره‌های مصنوعی به‌نام

بروزه ۱۸٪ برق مورد نیاز دنیا در ۴۳۳ نیروگاه اتمی تولید می‌شود. در این نیروگاه‌ها، اتم که سنگ پایه ماده است، تجزیه شده و دوباره در شکل نوینی ترکیب می‌شود. این امر تا ۵۰ سال پیش ناممکن می‌نمود. در روند تجزیه و ترکیب اتم‌ها تنها گرما و انرژی الکتریکی بلکه اتم‌های جدیدی نیز تولید می‌شوند که قبلاً بر روی زمین وجود نداشته‌اند. چنین اتم‌هایی ناپایدارند و اگر انسان در برابر تشعشعات آن‌ها محافظت نشود، اثرات مرکزائی بر وی برجا خواهد گذاشت. برخی از این اتم‌ها تشعشعات مرکزائی خود را تا صدها هزار سال نیز ادامه می‌دهند. از همین روست که مشکل دفع زبانه‌های اتمی نیروگاه‌ها که حاوی چنین اتم‌هایی هستند، هنوز هم پاسخ کامل و بایسته‌ای نیافته است. نسل‌هایی از کارشناسان اتمی وقت و نیروی خود را مصروف یافتن چنین پاسخی کرده‌اند. زمانی راه‌حل این کارشناسان، دفع زبانه‌های اتمی در اعماق دریاها بود. این روش تا سال ۱۹۸۳ اجرا هم می‌شد. زمانی پیشنهاد کردند که این زبانه‌ها در صحرای چین چال شوند. برخی از این کارشناسان بر آن بودند که زبانه‌های اتمی را باید بوسیله موشک دوربرد به خارج از جو زمین ارسال کرد و یا آن‌ها را در محفظه‌هایی که از گِل رس‌یاسنگ نمک و یا... تهیه شده‌اند، ریخت و در اعماق زمین مدفون کرد. چنین شیوه‌ای هنوز هم رایج‌ترین شیوه در سطح جهان است. زمین‌شناسان استرالیائی سنگواره‌های مصنوعی به‌نام

بروزه ۱۸٪ برق مورد نیاز دنیا در ۴۳۳ نیروگاه اتمی تولید می‌شود. در این نیروگاه‌ها، اتم که سنگ پایه ماده است، تجزیه شده و دوباره در شکل نوینی ترکیب می‌شود. این امر تا ۵۰ سال پیش ناممکن می‌نمود. در روند تجزیه و ترکیب اتم‌ها تنها گرما و انرژی الکتریکی بلکه اتم‌های جدیدی نیز تولید می‌شوند که قبلاً بر روی زمین وجود نداشته‌اند. چنین اتم‌هایی ناپایدارند و اگر انسان در برابر تشعشعات آن‌ها محافظت نشود، اثرات مرکزائی بر وی برجا خواهد گذاشت. برخی از این اتم‌ها تشعشعات مرکزائی خود را تا صدها هزار سال نیز ادامه می‌دهند. از همین روست که مشکل دفع زبانه‌های اتمی نیروگاه‌ها که حاوی چنین اتم‌هایی هستند، هنوز هم پاسخ کامل و بایسته‌ای نیافته است. نسل‌هایی از کارشناسان اتمی وقت و نیروی خود را مصروف یافتن چنین پاسخی کرده‌اند. زمانی راه‌حل این کارشناسان، دفع زبانه‌های اتمی در اعماق دریاها بود. این روش تا سال ۱۹۸۳ اجرا هم می‌شد. زمانی پیشنهاد کردند که این زبانه‌ها در صحرای چین چال شوند. برخی از این کارشناسان بر آن بودند که زبانه‌های اتمی را باید بوسیله موشک دوربرد به خارج از جو زمین ارسال کرد و یا آن‌ها را در محفظه‌هایی که از گِل رس‌یاسنگ نمک و یا... تهیه شده‌اند، ریخت و در اعماق زمین مدفون

توضیحات هیئت

در یکی از روزهای دسامبر سال ۱۹۳۶ هیدریک، رئیس اداره امنیت آلمان، برای ارائه گزارش اطلاعاتی نوبتی در مورد اتحاد شوروی به نزد هیتلر فراخوانده شد. در پاسخ به سرزنش هیمی پیشوا، مینی بر این که سازمان اطلاعات کماتان به این کار می‌کند و توجه لازم را بر سیر رویدادهای سیاسی جهان در راستای منافع "رایش سوم" مبذول نمی‌دارد، هیدریک گزارش نمود که امکان کوشش در جهت "مروم کردن ارتش سرخ از رهبری"، بدنام کردن گروهی از افسران ارشد آن و پیش از همه، مارشال توخاچوسکی موجود است.

اطلاعاتی در مورد خیانت مفروض تکوین یافته در ارتش سرخ توسط اسکو لین، ژنرال سابق ارتش تزاری و دشمن فعال حکومت شوروی، که در فرانسه زندگی می‌کرد به دست سازمان امنیت رسیده بود. اسکو لین که میخائیل توخاچوسکی را در نتیجه خدمت مشترک در نیروهای نظامی تزاری شخصا می‌شناخت، نمی‌توانست گذر به جانب انقلاب، به جانب بلشویک‌ها را به او، به برخاسته‌ای از خاندان درباری، ببخشد.

در گزارش‌های دریافت شده از اسکو لین، خبر داده می‌شد که: اولاً فرماندهی ارتش سرخ طرح توطئه‌ای را می‌ریزد که توخاچوسکی در رأس آن قرار دارد و ثانیاً - توخاچوسکی و ملحقان نزدیک او در ارتباط مخفی با ستاد مرکزی ارتش آلمان قرار دارند.

برخوردها با این گزارش متفاوت بود. کارشناسان اطلاعات نظامی آن را، به عنوان مهم، کاملاً متنفی می‌شمردند. اما هیدریک تصمیم گرفت "شانس خود را از دست ندهد" و اگر مدارک خیانت در ارتش سرخ وجود ندارد، آن‌ها را جعل کند. هیتلر طرح را تأیید نمود.

جستجوی

بهترین گراورکار

هیدریک پس از گفتگو با هیتلر،

ناوکیس، رئیس بخشی را که به تهیه اسناد جعلی اشتغال داشت، نزد خود خواست. طبق معمول موارد فوق العاده حساس، گفتگو در حضور برنس، نزدیک ترین دستیار هیدریک، که در سازمان امنیت به کارشناس برجسته امور شوروی مشهور بود، جریان یافت. هیدریک گفت: "ناوکیس! هنر جعل اسنادی که سخن از آن‌ها می‌رود، باید بی‌نقص تر از همیشه باشد. لازم است برای این کار بهترین گراورکار آلمان بکار گرفته شود."

سپس او اساس ایده را در خطوط کلی آن توضیح داد. هیدریک اظهار داشت که برنس پیش‌نویس نامه را تهیه می‌کند و گراورکار امضای توخاچوسکی را زیر آن می‌گذارد. متن به وضوح تمام اشاره دارد به این که خود مارشال و برخی از همکاران نزدیک او در ارتش سرخ با گروهی از ژنرال‌های آلمانی مخالف رژیم فاشیستی، در ارتباط مخفی قرار دارند. و این که این‌ها و آن‌ها نقشه تصاحب قدرت در کشورهای خود را در سر می‌پرورانند. پرونده با فتوکپی‌هایی که گویا به صورت مخفیانه از اسناد موجود در آرشیوهای سازمان امنیت گرفته شده‌اند، به روس‌ها داده خواهد شد و باید این احساس را به آن‌ها القا کند که در مورد ژنرال‌های آلمانی که در این توطئه دست داشته‌اند، تحقیقاتی به عمل آمده است.

پیشنهاد شد که پرونده جعلی حاوی تعدادی نامه، گزارش، یادداشت‌های اداری کارمندی که مأمور تحقیق در مورد روابط فی‌مابین نمایندگان ستاد عالی فرماندهی کل ارتش آلمان و ارتش سرخ می‌باشد و همچنین برگزیده متن مکالمات تلفنی آنان باشد که به صورت مخفیانه استماع گردیده‌اند. جای اصلی در مجموعه اسناد باید به "نامه شخصی توخاچوسکی، در بردارنده اشاره به نکات قبلی" داده شود. در مدارک که مربوط به ادوار مختلف زمانی می‌شدند، به نام‌های خانوادگی طرفداران توخاچوسکی در میان فرماندهان نظامی شوروی و همچنین ژنرال‌های آلمانی که با آن‌ها در ارتباط بوده‌اند، و مخالفتشان با حزب نازی دیگر قابل تحمل نبود،



آمریکایی‌ها امروز در صدد انجامش هستند، امری ممکن و قابل انجام اعلام نموده اما هشدار می‌شود که پای جزئیات به میان می‌آید. اینکه تبدیل آگتیندها به لحاظ فیزیکی امری شدنی است و در این روند نوترون‌های پرشتاب نقش کارسازی ایفا می‌کنند و واقعیتی است که بشر از دویت سال پیش بر آن اشراف و آگاهی دارد. اما روند تبدیل آگتیندها به عناصر کم‌دوام روندی است آکنده از خطرهای عظیم و فاجعه‌بار. پیش از تبدیل آگتیندها به عناصر کم‌دوام باید ابتدا آن‌ها را از سایر عناصر کم‌دوام موجود در زباله‌های اتمی (همچون ید) جدا نمود، که همین جداسازی نیز خود با خطرهای عظیم و بزرگ ابعاد همراه است. برای این جداسازی باید کنش و واکنش‌های شیمیایی چند مرحله‌ای به اجرا درآیند که پیچیدگی و خطر مندی آن‌ها بعضاً قابل تصور نیست.

۱۵ سال پیش زمانی که پژوهشگران اتمی از سراسر جهان با فراخوان سازمان بین‌المللی انرژی اتمی گرد هم آمدند تا در باره مشکل دفع زباله‌های اتمی به رایزنی بپردازند، یک گروه ایتالیایی حاضر در گرد همائی آنچه را که

در سال ۱۹۳۷ مارشال شوروی میخائیل توخاچوسکی به عنوان عضو و رهبر "سازمان" مفروض "نظامی ضد شوروی تروتسکیستی" و به اتهام روابط مخفی با ستاد مرکزی ارتش آلمان اعدام شد. با گذشت حدود ۳۰ سال، در سال ۱۹۵۷ از او بطور کامل اعادة حیثیت به عمل آمد. چه کسی و چگونه "اسناد" خیانت مارشال را جعل کرد؟ در پاسخ به این سوال روایات مختلفی موجودند. یکی از آن‌ها در مقاله فئودور سرگیف ارائه شده است. در مقاله مزبور پرده از مکانیزم نهانی این قلب شوم سیاسی برداشته می‌شود.

پرونده "توخاچوسکی"

اشاره خواهد شد.

هیدریک گفت که پوشه باید مملو به مهر دفتر آد میرال کاناریس بوده، یادداشت خود کاناریس خطاب به هیتلر نیز در آن موجود باشد. یادداشتی حاکی از این که آد میرال قصد داشته است این کار را در ارتباط با برخی از افسران مشکوک آلمانی شود تا کوشش نماید از آنان اطلاعاتی در مورد برخی جزئیات فعالیت توطئه‌گران به‌دست بیاورد. در یادداشت کاناریس روشن است که در واقع او هیچگاه چنین یادداشتی ننوشت. تنها اسامی ژنرال‌های آلمانی - "خائنین"، ذکر خواهد شد، ولی در کنار آن شامل اشاره‌ای نیز خواهد بود به این که "در ارتش سرخ خائنینی پدیدار شده‌اند". در پرونده، اصل فرمان هیتلر، که

هیدریک گفتگو را خاتمه بخشید. همه چیز باید نشان دهد که پرونده در آرشیو اداره امنیت، محلی که بسیاری از کارمندان بدن دسترسی دارند، حفظ می‌شده است. گویا یکی از آنها که در مضیقه مالی قرار می‌گیرد (چنین انگیزه‌ای بیشتر حقیقی بنظر می‌رسد) تصمیم می‌گیرد که از آنها استفاده کند، بدین ترتیب که پرونده را برباید، از مدارک دور آن فتوکپی بگیرد و به روس‌ها پیشنهاد کند که آنها را بخرند.

بدین گونه کار تهیه جعل سیاسی بزرگی آغاز شد. همه چیز برای حفظ محرمانه بودن آن انجام شد. در سازمان امنیت گروه عملیاتی ویژه‌ای سازمان داده شد. در رأس آن برنس قرار داشت. (برنس در سال ۱۹۴۶ باخاطر جنایات دهمستانکی که در زمان جنگ جهانی دوم توسط او در بلگراد، که وی ریاست سازمان امنیت و پلیس آن را بر عهده داشت، صورت گرفته بود، اعدام شد.

هیدریک به آد میرال کاناریس مراجعه کرد و تقاضا نمود که پرونده فرماندهان نظامی شوروی را که تا سال ۱۹۳۳ از آلمان دیدار به عمل آورده‌اند و یاد آن ایام در حال گذراندن دوره‌های آموزشی در آکادمی‌های نظامی آلمان بوده‌اند، در اختیار او قرار دهد. ولی مراجعه هیدریک، آد میرال را مشکوک کرد. کاناریس در آن، نیت سازمان امنیت، مینی بر بدنام کردن برخی از افسران آلمانی شیر هم‌نظر با مواضع نازی را تشخیص داد و جواب رد گفت.

باز نظر گذراندن طرق ممکن برای بدست آوردن نسخ اصلی مورد نیاز، بدین نتیجه رسیدند که بهترین راه، سرعت آنهاست. فرجام ماجرای شکار اسناد آرشیوها جالب است. شبانه، بلافاصله پس از آنکه اسناد لازم پیدا و بیرون آورده شدند، در ساختمان ویراخت حریق در گرفت - بدینگونه سازمانگران عملیات کوشیدند رد پای خود را پاک کنند.

پس از چند روز، دیر هنگام شب، ناوکیس متن اسناد آمده شده توسط برنس را به کارگاه پوتسیگ تحویل داد. پس از چهار ساعت کار خاتمه یافته بود. در مقایسه بدل با نسخه‌های اصلی، ناوکیس به دیدگان خود باور نکرد: سند جعلی بدون هیچ و نقص حاضر شده بود.

"صنعت، مالی است"، هیدریک نیز چنین گفت. "مال بر اسناد پرونده، تمامی مهرهای لازم را برنیز و فتوکپی بگیرید. توجه داشته باشید که کیفیت نور چندان خوب نباشد، بطوری که مشخص گردد شخصی که فتوکپی‌ها را گرفته، جمله داشته است."

سند جعلی به گیرنده

مورد نظر می‌رسد

در اواخر ژانویه - اوایل فوریه سال ۱۹۳۷

چکسلواکی در برلین گزارش دیدار نوبتی با دیپلمات آلمانی را به دولت متبوع خود ارائه می‌نماید. دیپلمات آلمانی مصر بود در رسیدن به پاسخ این سوال که چرا در صورت وقوع جنگ میان آلمان و فرانسه چگونه عمل خواهد کرد؟ دیپلمات مذکور، احتمالاً با نیت تهدید دولت چکسلواکی، "بصورت دوستانه" اشاره کرد که گروهی از ژنرال‌های ویرماخت روابط خود را با برخی گروه‌های مؤثر در ارتش سرخ گسترش می‌دهند و پایهای برای این تصور موجود است که در آینده نزدیک در اتحاد شوروی تغییر رهبری به وقوع پیوندد، تغییری که قطعاً تغییر صف بندی نیروها در اروپا، به سود آلمان نازی را در پی دارد.

هیدریک کارگرفته تصمیم گرفت مانور خود را مستحکم تر سازد. با استفاده از هوامل سازمان امنیت در میان پناهندگان روس، که دارای نزدیکی‌هایی با دوایر حکومتی فرانسه بودند، هیدریک موفق شد به اینکه، اطلاعات مشابه به گوش وزیر جنگ فرانسه، ادوارد دالادیه نیز برسد. فرد مذکور که از امکان چرخش شدید در مشی سیاسی مسکو به طور جدی نگران شده بود، به سرپرست سفارت شوروی در پاریس مراجعه کرد؛ برای دریافت توزیع در این باره، که تا چه حد میتوان به روابط مشکوک مابین ویرماخت آلمان و فرماندهی ارتش سرخ، که به گوش او رسیده است، باور کرد. این را که اخبار جعلی مربوطه حقیقتاً در پاریس پخش میشد، تلگرام و پ. پوتسکین، نماینده سیاسی وقت اتحاد شوروی در فرانسه، به کمیساریای خلق در امور خارجه که در سال ۱۹۸۹ در ردیف سایر مدارکی که مربوط به "پرونده توخاچوسکی" می‌شوند، هلنی شده، تصدیق می‌نماید. "دالادیه نماینده سیاسی شمارا به گفتگو دعوت نمود، در جریان آن او گفت که از منبع موثقی نقشه دوایر آلمانی جهت تحقق بخشیدن به یک کودتای دولتی در اتحاد شوروی بر او معلوم گشته است. احتمالاً، تکیه اساسی باید بر چهره‌ای از ترکیب فرماندهی ارتش سرخ باشد که نسبت به رهبران کشور دارای احساسات خصمانه‌ای است.

آلمان قصد دارد با رژیم جدید، اتحادی نظامی علیه فرانسه تشکیل دهد. دالادیه بر این امر استناد می‌کرد که اطلاعاتی از همین دست توسط دوایر نظامی فرانسه از پناهندگان روس دریافت شده است. او اعلام کرد که اطلاعات مشخص‌تری در دست نیست."

با احتساب اینکه مانور قرین موفقیت بوده و هدف حاصل شده است، هیدریک به مرحله نهایی عملیات پرداخت: او کارمند مسئول ویژه سازمان امنیت به پراگ فرستاد. (چنانکه هتل تأیید می‌کند، خود برنس نیز تحت نام جعلی، به دنبال مأمور به پراگ فرستاده شد). مأمور سازمان امنیت وظیفه داشت با کسی از نزدیکان بنش ارتباط گرفته و اطلاعاتی در مورد وجود اسنادی که افشا کننده توخاچوسکی و مشارکت او در توطئه می‌باشند، به او برساند. و. چرچیل در خاطرات خود می‌نویسد: "بنش بلافاصله تمامی آنچه را که برایش معلوم شد، به استالین خبر داد."

بزودی رابط بنش به نماینده هیدریک توصیه کرد که با کارمند برلین ارتباط بگیرد. مأمور بی‌درنگ به اتحاد شوروی پرواز کرد و با پیک ویژه حاضر اختیار مذاکره در مورد خرید فتوکپی اسناد پرونده، بازگشت. مبلغ حق الزحمه درخواستی بالغ بر ۵۰۰ هزار مارک، بلافاصله پرداخت شد. فتوکپی‌های اسنادی که گویا در گلاوینو واقع اداره امنیت هیتلر محافظت می‌شدند، به مسکو کوچیدند.

فرجام تراژیک

مسلماً است که جعل نازی‌ها "پاکسازی" و گردش سرکوب در بدنه انیسری ارتش سرخ را برنیزانگشت. تا آن لحظه دستگیری در میان نظامیان ابعاد وسیعی به خود گرفته بود. اسناد جعل شده توسط نازی‌ها بعنوان "دلائلی"، مناسب برای متهم کردن ترکیب فرماندهی مالی ارتش سرخ به "سازش" و "خیانت" بکار برده شدند. اقدام فاشیستی، تنها فرجام شوم سرنوشت تراژیک میخائیل توخاچوسکی را تسریع کرد. رشته زندگانی او در ۴۴ سالگی، در شکوفایی نیروهای خلاصه بریده شد. سرداری تیرباران گردید که مارشال ژوکوف در موردش نوشت: "تابنده تفکر نظامی، از درخشان ترین ستاره‌ها در زمره فرماندهان برجسته نظامی ارتش سرخ".

اسپوتنیک - شماره ۱۰

اکتبر ۱۹۸۹

ترجمه از ب. ا. طلوهی



سال ۱۹۳۹، میخائیل توخاچوسکی - فرمانده واحدهای منطقه نظامی لنینگراد - از اعضای دولت که به مراسم رژه اکتبر آمده‌اند، استقبال می‌کند.

استونی: تغییر نام جمهوری

"تغییر مسئولانه" خواند.

در روز دوشنبه پارلمان لتونی جمهوری دیگر بالتیک طی نامه‌ای به گارباچف اطمینان داد که هلیگم تصویب بیانیه استقلال در پارلمان این جمهوری در روز چهارم ماه مه، منافع اتحاد شوروی در لتونی محفوظ خواهند ماند. در این نامه آمده است بیانیه استقلال لتونی پس از یک دوره گذار که طول آن نامعلوم خواهد بود، تحقق خواهد یافت و تا آن زمان، مذاکرات با مسکو در جریان خواهد بود. گارباچف هلیگم این نامه، استقلال طلبی لتونی را نیز محکوم کرد.

پارلمان لتونی روز ۷ ماه مه ایوراس گودمانیس معاون صدر جبهه خلق لتونی را به عنوان نخست وزیر جدید این جمهوری برگزید. گودمانیس در بیانیه نخست خود اعلام کرد برخی رشته‌های صنایع خصوصی شده، در مورد بعضی از مواد غذایی جیره بندی اعمال گردیده و تثبیت قیمت یک سلسله از کالاها لغو خواهد شد.

از لیتوانی خبر می‌رسد که محاصره اقتصادی شوروی باعث توقف تولید برخی کالاها، از جمله شکر، در لیتوانی شده است. طبق آخرین آمار تحریم اقتصادی لیتوانی توسط شوروی تا کنون به بیکار شدن ۱۷ هزار تن در این جمهوری انجامیده است.

در روز سه شنبه ۸ مه، جمهوری استونی تصمیم به برداشتن گامهای مشخص در راه استقلال گرفت. پارلمان این جمهوری در تالین پایتخت استونی به نفع تغییر نام جمهوری شوروی استونی به جمهوری استونی رای داد. هنری سسوا یکی از رهبران حزب کمونیست استونی اعلام کرد تغییر نام استونی با ۷۳ رای موافق در برابر ۱۴ رای مخالف به تصویب رسیده است. پارلمان استونی تصمیم گرفت بحث در مورد اعتبار بخشیدن مجدد به قانون اساسی پیش از جنگ جهانی دوم را به تعویق بیاورند. از تصمیمات پارلمان استونی، تعیین پرچم و آرم جدید برای استونی است.

استونی یکی از سه جمهوری کرانه دریای بالتیک است که در سال ۱۹۴۰ به اتحاد شوروی ملحق شدند. بحران لیتوانی، نخستین جمهوری بالتیک که تصمیم به استقلال گرفت، ادامه دارد.

میخائیل گارباچف رئیس جمهور شوروی گرایشهای جدایی طلبانه در کشورش را محکوم کرد. وی طی یک سخنرانی برای پیش‌کشوتان جنگ میهنی گفت نیرهایی وجود دارند که می‌خواهند از فضای دموکراسی، هلیت و آزادی برای تحقق نقشه‌های خودفرزانه، از جمله طرحهای جدایی طلبانه، سوءاستفاده کنند. گارباچف رفتار این نیروها را



روز ۹ مه چهل و پنجمین سالگرد پیروزی بشریت بر فاشیسم هیتلری بود. برای بزرگداشت این روز تاریخی، رژه نظامی بزرگی در مسکو برگزار شد.

زباله‌های اتمی، خطری مهلك برای محیط زیست

دو گرایش همدمی توان تشخیص داد:

الف: گرایشی که بویژه در میان گروه‌های هوادار محیط زیست از پایگاه محکمی برخوردار است و خواهان چشم‌پوشی کامل از تولید انرژی هسته‌ای است.

ب: گرایشی که استفاده از انرژی هسته‌ای را به‌خاطر انبوهی و ارزانی‌ش فیر قابل چشم‌پوشی می‌داند و بر آن است که بجای برچیدن نیروگاه‌های اتمی باید تلاش همدم را متوجه کم‌خطر ساختن تولید انرژی در آن هانمود.

چنانکه نوشته آمد، تلاش‌های پژوهشگران در زمینه کم‌خطر کردن تولید انرژی هسته‌ای هنوز راه به جایی نبرده است و هنوز هم گرایش نخست از مقبولیت و اقبال بیشتری در نزد محافل مختلف اجتماعی برخوردار است. اگر هلم بتواند شیوه جایگزین کم‌خطر، سالم و ارزانی در برابر انرژی هسته‌ای ارائه دهد، پیروزی قطعی از آن گرایش نخست خواهد بود. پیشرفت شتابان هلم در این دهه‌های آخر قرن بیستم به انسان اجازه می‌دهد که در مورد کشف شیوه جایگزین خوش‌بین و امیدوار باشد. با اینهمه نباید از نظر دور داشت که دانش بشری ممکن است به بی‌خطر ساختن تولید انرژی هسته‌ای زودتر از کشف شیوه فیر هسته‌ای تولید انرژی، جامه عمل بپوشاند.

بقیه در صفحه ۶

اینک ۴ سال از حادثه اتمی چرنوبیل می‌گذرد. آنچه که در آوریل ۱۹۸۶ در چرنوبیل روی داد، انسان‌ها را در مورد سودمندی انرژی اتمی بیش از پیش دچار شک و بدگمانی کرد. بر بستر همین بدگمانی، مبارزه گروه‌های مختلف اجتماعی در راه برچیدن شدن نیروگاه‌های اتمی چنان ابعادی یافته است که دولت‌های اروپای غربی برنامه ایجاد ۱۱ نیروگاه اتمی جدید را اجباراً به کناری نهاده‌اند. اما خطر نیروگاه‌های اتمی تنها در انفجارهایی از نوع چرنوبیل خلاصه نمی‌شود، زباله‌هایی که در جریان تولید انرژی در این نیروگاه‌ها پدید می‌آیند نیز برای حیات بشر منشأ خطرهای فراوانی هستند. دفع و بی‌خطر سازی این زباله‌ها از دیرباز فکر پژوهشگران را به خود مشغول داشته است، اما هنوز چشم‌انداز روشنی برای حل قطعی این مشکل پدیدار نشده است. مسئله زباله‌های اتمی برای مردم مانیز چندان ناآشنا نیست. در سال‌های آخر حیات رژیم شاه شایعاتی قوی مبنی بر توافق این رژیم با دفن زباله‌های اتمی یک کشور غربی در کویرهای یزد بر سر زبان‌ها افتاد و واکنش‌ها و حساسیت‌های مشخصی را برانگیخت. اینک نیز رژیم جمهوری اسلامی در کار تکمیل و راه‌اندازی نیروگاه اتمی بوشهر است و مسئله زباله‌های اتمی اگر نه امروز، فردا دوباره برای مردم ماحرح خواهد شد.

در مجموع در مورد بهره‌گیری از انرژی هسته‌ای

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثريت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، نمبر بستی و یارسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	اروپا	دیگر نقاط
شش ماهه	۱۱ مارک	۱۳ مارک
یک ساله	۲۱	۲۲

بهای اشتراك	اروپا	دیگر نقاط
شش ماهه	۲۷ مارک	۳۰ مارک
شش ماهه	۵۲	۵۸
یک ساله	۱۰۲	۱۱۵

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT NO. 304 MONDAY 12. May. 1990 آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100AACHEN W. GERMANY	حساب بانکی: AUSTRIA - WIEN BAWA BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT NR. 02910701.650 DR. GERTRAUD ARTNER اکثريت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در خارج از کشور
---	--



تحویل یک جنایتکار

نازی پس از ۴۵ سال

یوزف شوامبرگر که متهم است هزاران یهودی را در اردوگاه‌های مرگ هیتلری به قتل رسانده است، توسط آژانتهای برای محاکمه و مجازات به آلمان غربی تحویل داده شد. هکس، وی را در فرودگاه فرانکفورت نشان می‌دهد.

اشغال دفتر حزب حاکم کره جنوبی توسط دانشجویان

دوشنبه گذشته گروهی از دانشجویان شرکت‌کننده در تظاهرات ضد دولتی در سئول پایتخت کره جنوبی دفتر حزب حاکم روتای وو، رئیس جمهور این کشور را اشغال کردند و به حمله پلیس با پرتاب کوکتل مولوتف پاسخ دادند. این دانشجویان توسط پلیس دستگیر شدند.

همزمان با اشغال دفتر حزب حاکم توسط دانشجویان، رئیس جمهور کره جنوبی مشغول ایراد نطقی در تلویزیون سئول بود. وی در این نطق، از مردم دعوت کرد با خطر "هرج و مرج" مقابله کنند. روتای وو اعتراف کرد که مردم کره جنوبی، اعتماد کافی به دولتش ندارند. وی قول داد تا پایان سال جاری مسیحی مشکلات اقتصادی کشور را حل کند. رئیس جمهور کره جنوبی گفت: "دولت توانست اعتماد افکار عمومی را به سیاست خود جلب کند. وی افزود مردم حتی در قصد دولت

روتای وو وادعا کرد هلت تورم ۴/۷ درصدی در کره جنوبی دو برابر شدن دستمزدها ظرف سه سال، اعتصابات و نیز "خطاهای سیاسی" بوده است. در کارخانه هیوندای، بزرگترین سازنده اتومبیل در کره جنوبی، در آغاز هفته گذشته اعتصابی که یک هفته به طول

پیشرفت در مذاکرات کنگره ملی آفریقا

و دولت آفریقای جنوبی

نخستین دور مذاکرات هیات نمایندگی کنگره ملی آفریقا به ریاست نلسون ماندلا و هیات نمایندگی دولت آفریقای جنوبی به ریاست فردریک د کلرک رئیس جمهور این کشور پایان یافت و هر دو طرف اعلام کردند در این مذاکرات پیشرفت‌هایی حاصل شده است.

کنگره ملی آفریقا در یک موضعگیری پس از نخستین دور مذاکرات، خواهان تشکیل دولت گذار در آفریقای جنوبی به نمایندگی از سوی همه گروه‌های مردم این کشور شد. مسئول روابط بین‌المللی کنگره ملی آفریقا گفت در آفریقای جنوبی نیز باید مانند نامیبیا یک مجمع